

رویکردی تطبیقی به دو فرمان حکومتی

(فرمان هشت ماده‌ای رهبر انقلاب، در بستر فرمان حکومتی امام علی (علیه السلام))

علی نقی امیری*

چکیده

آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، در تاریخ دهم اردیبهشت سال ۱۳۸۰ ش. به دلیل ضرورت مبارزه با فساد و طراحی الگوی مبارزه با آن، فرمانی هشت ماده‌ای صادر کردند که در آن، با نگاهی عمیق و کارشناسی شده، به جوانب مسئله پرداخته و آن را در راستای الگوسازی نظام علوی، قلمداد فرموده‌اند. دقت در محتوای فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری، به گونه‌ای است که در همه ابعاد و زوایای آن، می‌توان آن را نشئت گرفته از دستورها و فرمان تاریخی امام علی (علیه السلام) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، به مالک اشتر، دانست.

در این مقاله، تلاش بر آن است تا ابتدای فرمان هشت ماده‌ای رهبری، بر فرمان مالک اشتر، بررسی شود. این تحقیق مبتنی بر تحلیل محتوی و متن کاوی صورت گرفته است و نتایج حاصل از تطبیق دو فرمان نشان می‌دهد که وجوه اشتراک زیادی بین آنها وجود دارد؛ از جمله در رابطه با اهداف کلان حکومت (خدمت به مردم و عدالت خواهی)، عوامل فسادآفرین (امتیازطلبان و رانت‌خواران)، نظارت بر امور و خصوصیات ناظران (تعهد، صداقت، وفاداری، و کارایی) و اصول حاکم بر مبارزه با فساد (قاطعیت، شجاعت، عدالت، انصاف، عدم تبعیض، و مجازات مجرمین).

واژه‌های کلیدی: خدمت به مردم، عدالت خواهی، امنیت، امانت‌داری، رانت‌خواری.

۱. مقدمه

در راستای تبیین مسئله مبارزه با فساد و ضرورت و اهمیت آن، مقام معظم رهبری در فرمان هشت ماده‌ای طی فرایندی منطقی به تشریح این مسئله پرداخت؛ در فرمان هشت ماده‌ای، مقام معظم رهبری ضمن آسیب‌شناسی و ملاحظه برخی نارسایی‌ها و مشکلات موجود، با ترسیم نظری و عملی وضع مطلوب، رهنمودهایی عینی و کاربردی را در طول فرمان جهت، حفظ سلامت نظام و رفع آسیب‌های موجود ارائه کرده است؛ در این فرمان که محصول سال‌ها اداره امور و تجربه بوده و براساس درک عمیق مسائل و کارشناسی‌ها و تحلیل‌های مبتنی بر واقعیت، طراحی، ضمن آسیب‌شناسی، توجه به مشکلات و برداشتن موانع، مبارزه با عوامل فسادآفرین، مبنای این پیام قرار گرفته است.

این شیوه بیان را می‌توان در فرمان و عهدنامه تاریخی امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر (نهج البلاغه، نامه ۵۳) هم، ملاحظه کرد؛ چراکه روح حاکم بر نامه امام (علیه السلام) نیز مدیریت عمومی و راهگشا برای حاکمان و مدیران جامعه در سطوح عالی است، در عین حال برای همه سطوح دیگر مدیریتی، مبانی، اصول، روش‌ها، سیاست‌ها و اخلاق حکومتی و مدیریتی چیزی را فروگذار نکرده است (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۳)؛ الگوگیری از حکومت امام علی (علیه السلام) و به خصوص فرمان تاریخی ایشان به مالک اشتر از جمله مسائل ضروری و مهمی است که بر هر مدیری لازم و ضروری است و این امر، به ویژه باید در سیره عملی و نوشتاری مسئولین به چشم بخورد؛ در این راستا، تحقیق بر آن است تا نشان دهد که فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری برخاسته از روح حاکم بر فرمان مالک می‌باشد؛ ایشان در این باره می‌فرمایند:

«نامه ۵۳ نهج البلاغه، که طولانی‌ترین و مهم‌ترین نامه امام و فرمان حکومتی مصر به مالک است، در واقع دکتترین زندگی زمامداران است؛ به عبارت دیگر، کلام امام (علیه السلام)، سخنان انسانی است که بار مسئولیت اداره یک جامعه عظیم را بر دوش خود احساس می‌کند و دانای دین و بصیر به همه معارف اسلامی و قرآنی است و با دلی مالا مال از معرفت و روحی بزرگ و در مقامی پر مسئولیت، با مردم روبه‌رو می‌شود، با آنها حرف می‌زند و به سؤالات و استفسارات آنها پاسخ می‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۶۳)»؛ «سخن او مطابق با نیازهاست و چیزی را که نیاز قطعی آن مرحله از تاریخ اسلام طلب می‌کند، می‌گوید» (خامنه‌ای، ۱۳۶۴)؛ او با گوشت و پوست خود مشکلات مردم را درک کرده و از موضع زمامداری دلسوز و مهربان، مالک را به شیوه‌های هدایت و رهبری امت، آگاه می‌سازد؛ «حضرت علی (علیه السلام) با امر حکومت درگیر بوده و در این کتاب (نامه) شریف به‌عنوان یک حاکم و کسی که با اداره کشور اسلامی - به همه مشکلات و مصیبت‌ها و دردمندس‌هایش - روبه‌رو بوده و به جوانب گوناگون این مسئله رسیدگی کرده، سخن گفته است؛ توجه

به این امر برای ما که در شرایط مشابه شرایط امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) قرار داریم، بسی آموزنده است» (خامنه‌ای، ۱۳۶۰). امام (علیه السلام) مبتنی بر آسیب‌شناسی و توجه به وضعیت مصر، تلاش دارد در راستای برداشتن موانع و برچیدن عوامل فسادآمیز و ستون پنجم، دستورهایی به مالک بدهد.

رویکرد و روش حاکم بر تحقیق

ابتدا فرمان هشت ماده‌ای تحلیل و عناصر کلیدی آن مثل اهداف کلان نظام، عوامل فسادآفرین، نظارت بر امور و خصوصیات ناظران و اصول حاکم بر مبارزه با فساد، شناسایی و شاخص‌های مربوط به آنها، احصاء گردید، و در گام دوم با مطالعه دقیق فرمان امام (علیه السلام) مفاهیم حاصله با آن منطبق و وجوه اشتراک آنها بدست آمد.

رویکرد حاکم بر تحقیق حاضر، رویکردی تطبیقی است؛ در رویکرد تطبیقی، ضمن مقایسه و سنجش دو یا چند موضوع، تلاش بر آن است تا وجوه اختلاف و اشتراک آنها، مشخص و برجسته شوند؛ در این تحقیق نیز، ابتدا هر یک از دو فرمان، با دقت مطالعه شده و به مقایسه آنها پرداخته شده است؛ هدف از این تحقیق نشان دادن ابتناء و الگوگیری فرمان هشت ماده‌ای از فرمان امام (علیه السلام) به مالک اشتر می‌باشد.

سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی:

موارد تشابه بین دو فرمان ۸ ماده‌ای و فرمان امام (ع) به مالک کدامند؟

سؤال‌های فرعی

- موارد تشابه بین دو فرمان از حیث اهداف کلان نظام کدامند؟
- موارد تشابه بین دو فرمان از حیث شاخص‌های سلامت نظام کدامند؟
- موارد تشابه بین دو فرمان از حیث عوامل فساد آفرین کدامند؟
- موارد تشابه بین دو فرمان از حیث خصوصیات ناظران کدامند؟
- موارد تشابه بین دو فرمان از حیث ارزیابی کارها کدامند؟

ادبیات پژوهش

با مرور بر دو فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری و فرمان امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر، و تطبیق آنها، موارد اشتراک زیادی وجود دارد. نحوه تطبیق بدین ترتیب است که ابتدا مقوله‌های مورد نظر

طرح شده و سپس به ترتیب مباحث مربوط به آنها از فرمان هشت ماده‌ای و فرمان امام علیه السلام نقل می‌گردد و ملاحظه این دو خود به خود انعکاس دهنده وجوه اشتراک آنها می‌باشد، موارد تطبیق داده شده عبارتند از: آسیب شناسی وضع موجود و بیان وضع مطلوب و شاخص‌های آن، سلامت نظام و شاخص‌های مربوط به آن، عوامل و مظاهر فساد، نقش قوای سه‌گانه و به‌خصوص قوای نظارتی، اصول حاکم بر مبارزه با فساد، ویژگی‌ها و خصوصیات عوامل مبارزه با فساد و آثار و پیامدهای مبارزه با فساد. خلاصه‌ای از نتایج در جدول ۱ آمده است.

۲. آسیب‌شناسی نظام

آسیب‌شناسی هر نظام، مستلزم داشتن معیارها و شاخص‌هایی در سطح کلان و خرد و ترسیم وضع مطلوب و لازمه آن مطالعه و بررسی وضع موجود و مقایسه آن با وضع مطلوب است.

۲-۱. وضع مطلوب

فرمان هشت ماده‌ای

در فرمان هشت ماده‌ای، هدف کلان حکومت اسلامی، رسیدن به «نظام آرمانی علوی» قلمداد شده و تحقق آن تکلیف بزرگ مردم و مسئولان دانسته شده است؛ در راستای تبیین نظام آرمانی علوی، دو هدف مهم دیگر یعنی، «خدمت به مردم» و «عدالت اسلامی» به‌عنوان فلسفه وجودی جمهوری اسلامی، بیان شده است.^۱

فرمان امام علی علیه السلام

دو هدف یادشده در فرمان امام علی علیه السلام به مالک اشتر نیز از جمله مباحث مهمی هستند که در فرازهای مختلف، مالک را به آنها امر فرموده است: از دیدگاه امام علی علیه السلام، «وَإِنَّ أَفْضَلَ قُرَّةِ عَيْنٍ أَوْلَادٍ»^۲ و به سخن دیگر، قوی‌ترین عامل خوش‌وقتی و خشنودی زمامدار، در دو چیز نهفته است که اگر آن دو رعایت شوند، رهبران و سرپرستان دیگر نگرانی و ترس از ضعف، سقوط و ناکامی تشکیلاتی و کارشکنی‌ها و مخالفت‌های سازمانی و غیرسازمانی و هر آنچه مایه ناراحتی و تشویش و اضطراب آنها شود را ندارند و خیالشان آسوده می‌شود: آن دو، یکی اقامه عدل و دیگری، جلب دوستی و محبت مردم است.

۱. حکومتی که مفتخر به الگو ساختن نظام علوی است باید در همه حال تکلیف بزرگ خود را کم کردن فاصله طولانی خویش با نظام آرمانی علوی و اسلامی بدانند (خامنه‌ای، فرمان هشت ماده‌ای، ۱۳۸۰).
 ۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳، فراز ۳۶.

- اقامه عدل

با توجه به سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام هنگام پذیرش حکومت، فلسفه وجودی حکومت، در احقاق حق و برپایی عدالت نهفته است؛ «حکومت معنایش این است که انسان حقی را احقاق کند؛ عدل را بر پا بدارد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: این حکومت به قدر این کفش، یا بند این کفش، برای من ارزش ندارد». سپس فرمود: «أَلَا إِنَّ أَقِيمَ حَقًّا؛ مگر اینکه حقی را اقامه کنم» (نهج البلاغه، خطبه ۳۳). نخستین و مهم‌ترین دغدغه حکام و فلسفه حاکم بر همه برنامه‌ریزی‌ها و کارهای او، برقراری عدل در بلاد تحت حکومت آنهاست، «اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ»؛ عدالت و عدالت‌خواهی، اساس حیات جامعه و تداوم بقای آن است. بر مبنای بینش قرآنی، علی علیه السلام نیز استمرار دولت و پایداری یک نظام را، در اجرای عدالت و استقرار قسط می‌شناسد (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۴).

- جلب دوستی و محبت به مردم و خدمت به آنها

یکی از نیازهای هر انسانی آن است که در محیط‌های کاری مختلف و در مراوداتی که با دیگران دارد، مورد توجه و محبت آنها قرار گیرد و احساس کند که دوستش دارند، «و ظُهُورٌ مَوَدَّةَ الرَّعِيَّةِ»؛ هر سرپرست زمانی از تلاش‌های خود احساس رضایت دارد که علائم و نشانه‌هایی بیابد که محبوب زیردستان است؛ در رابطه با چگونگی بروز و ظهور مودت زیردستان نسبت به مقام بالادستی، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مودت زیردستان ظاهر نمی‌شود مگر به واسطه سلامتی سینه‌های آنها؛ «و إِنَّهُ لَا تَظْهَرُ مَوَدَّتُهُمْ إِلَّا بِسَلَامَةِ صُدُورِهِمْ»؛ به این معنا که هرگاه زیردستان ظلم و تبعیض، بی‌عدالتی و بی‌تفاوتی و خودخواهی و زورگویی، از سرپرستان خود نبینند، سینه‌هایشان از کینه و کدورت به آنها پاک مانده و علاقه‌مند و متمایل به آنها می‌شوند (حسینی سیاهپوش، ۱۳۶۴، ص ۱۸۴).

عامل دیگری که موجب آسایش خاطر زمامدار می‌شود، آن است که زیردستان، افزون بر اینکه او را دوست دارند، همواره خیرخواه وی بوده و خواستار توفیق و سلامتی او باشند و بتوانند در عمل علاقه خود به او را نشان دهند؛ در اینکه چگونه خیرخواهی زیردستان نسبت به سرپرستان ظاهر و محقق می‌شود، امیرالمؤمنین علیه السلام به سه مسئله اشاره می‌فرماید: رابطه نزدیک و صمیمی با مقام بالادست «بِحَيْطَتِهِمْ عَلَى وِلَاةِ الْأُمُورِ»؛ احساس سنگینی نکردن نسبت به ولایت او «و قَلَّةِ اسْتِثْقَالِ دَوْلِهِمْ» و احساس ناگواری نکردن نسبت به طولانی شدن زمامداری مقام بالادستی: «و تَرَكَ اسْتِبْطَاءَ ائْتِطَاعِ مَدَّتِهِمْ».

امام علی علیه السلام، پس از آنکه با برشمردن ویژگی‌ها و صفات خواص و عوام جایگاه، اهمیت و نقش عوام و اکثریت مردم را در ایجاد، قوام و تداوم دین و جامعه مطرح و نظر مالک را به آن

جلب کردند، در راستای تحکیم این امر و ضرورت همراهی بیشتر با مردم، وی را به دو امر سفارش می‌فرماید: گوش شنوا و میل به مردم داشتن «فَلْيَكُنْ صَعُوكَ لَهُمْ وَ مَيْلَكَ مَعَهُمْ»^۱.

– گوش شنوا

ای مالک، حال که متوجه اهمیت جایگاه مردم شدی، گوش تو باید همواره شنوای حرف آنها باشد. گوش شنوا داشتن از جمله ویژگی‌های رهبری و مدیریت اثربخش است، هیچ رهبری و هیچ مدیری نمی‌تواند بدون اینکه به زیر مجموعه دل بدهد و به درد دل آنها گوش کند، از آنها توقع حرف شنوی داشته باشد که این امری دو طرفه است.

– تمایل به مردم

افزون بر آنکه نسبت به سخنان و حرف آنها گوش شنوا داری، میل و توجه تو نیز به آنها باشد و مراقب آنها باشی و به گونه‌ای تصمیم‌گیری که منافع مردم در آن دیده شود. به سخن دیگر، افزون بر گوش ظاهری، گوش جان و دل تو هم با آنها باشد و در واقع آنها را دوست بداری و در حبّ و بغض‌ها، مردم دغدغه‌خاطر تو باشند.

۲-۲. وضع موجود

فرمان هشت ماده‌ای

وضع موجود، در مقایسه با وضع مطلوب، همواره دارای شکاف و فاصله است، ولی مهم، حرکت از آن به سوی اهداف تعیین شده است؛ به همین دلیل در بخش دیگری از فرمان هشت ماده‌ای بر «کم کردن فاصله طولانی با نظام آرمانی علوی و اسلامی» تأکید و از آن به‌عنوان «تکلیف بزرگ و دائمی» تعبیر شده است و در این راستا وضع موجود، در پرتو نگاه به وضع مطلوب، همواره باید در حال «الگو ساختن نظام علوی» و نزدیک شدن به «نظام آرمانی علوی و اسلامی» باشد.^۲ تنها در چنین صورتی است که می‌توان از «سلامت نظام» مراقبت کرد و افق‌های بالاتری را «در برابر چشم مردم روشن‌تر و شفاف‌تر» ساخت.^۳

۱. «صِعُو» به معنای گرایش به چیزی داشتن است (نهج البلاغه، نامه ۵۳، فراز ۱۳).

۲. حکومتی که مفتخر به الگو ساختن نظام علوی است باید در همه حال تکلیف بزرگ خود را کم کردن فاصله طولانی خویش با نظام آرمانی علوی و اسلامی بداند (خامنه‌ای، فرمان هشت ماده‌ای، ۱۳۸۰).

۳. خط مراقبت از سلامت نظام را که بحمدالله در سال‌های گذشته همواره در کار بوده، فعالیت تازه نفس و سازمان یافته ببخشید و با همکاری و اتحاد، افق‌ها را در برابر چشم این ملت نجیب و مؤمن، روشن‌تر و شفاف‌تر سازید (همان‌جا).

فرمان امام علی (علیه السلام)

یکی از مسائل بسیار مهمی که درباره نامه ۵۳ باید بر آن دقت کرد و در درک بهتر آن نقش بسزایی ایفا می‌کند، توجه به موقعیت زمانی صدور آن است.

امام علی (علیه السلام)، وقتی مالک را به مصر اعزام می‌کند، در فراز پنجم فرمان خود، ضمن آگاه کردن او از وضع مصر و ضرورت توجه به حساسیت‌های مردم و نیز حافظه تاریخی آنها نسبت به عملکرد حکام گذشته، سفارش‌هایی در خور به وی می‌فرماید. با توجه به دوران زمامداری امام علی (علیه السلام) و معارضان حکومت آن حضرت، به ویژه دشمنان داخلی و ماهیت آنها، می‌توان به محتوای نامه نگریست و ملاحظه کرد که در چه شرایطی نامه به نگارش درآمده است و اگر مالک هنگام مأموریت به زمامداری مصر، این نامه را دریافت می‌کند، مصر در چه وضعی قرار دارد؟ چرا محمد پسر ابوبکر از عهده اداره آن دیار بر نمی‌آید؟ چرا از مالک چنین انتظاری وجود دارد؟

دسیسه‌های معاویه با همکاری عمرو بن عاص و در پیش گرفتن سیاست‌های خائنانه و مزورانه آنها، به گونه‌ای بود که از یک‌سو، با ایجاد فضای دلهره و ناامنی برای مردم، تلاش می‌کردند، مردم را از حکومت توان آن در سروسامان دادن به امور مایوس و منفعل سازند و از سوی دیگر، با خدعه و نیرنگ و تطمیع، برخی سران و بزرگان را جذب کرده و با ایجاد فضائی بحرانی، هرگونه فرصت اصلاحات و تداوم آن را از امام (علیه السلام) سلب کنند. از این حیث، اوضاع مصر از بحرانی‌ترین وضعیت‌هاست؛ «ثُمَّ اَعْلَمُ يَا مَالِكُ اَنِّي قَدْ وَجَّهْتُكَ اِلَى بِلَادٍ قَدْ جَرَتْ عَلَيْهَا ذُوْلٌ قَبْلَكَ مِنْ عَدْلٍ وَ جَوْرٍ»^۱.

توجه به محتوای نامه ۵۳، به‌عنوان اصول اساسی حاکم بر مدیریت امور، در شرایط بحرانی کوفه و به‌ویژه مصر، بیانگر آن است که در واقع امام علی (علیه السلام)، نوعی مدیریت بحران را برای مالک ترسیم کرده و کیفیت رفتار زمامدار در این وضعیت با مردم و نیز معاندان را به خوبی روشن ساخته و او را از افراط و تفریط بر حذر داشته است. اشاره به فوایدی خاص در نامه، مثل فراز هشتماد که مالک را از برخوردهای خشونت‌آمیز پرهیز می‌دهد، یا فرازهای ۶۱ و ۷۴ که به شرایط و قواعد صلح با دشمن می‌پردازد، حکایت از رفتاری متناسب با مقتضیات مصر دارد. البته این نمونه‌ها برای هر دوره و زمان دیگری هم قابل تعمیم هستند.

از آنجا که امام علی (علیه السلام) پس از عثمان به خلافت رسید و در این دوران گروهی از افراد فاسد و مفسد بنی‌امیه و بنی‌مروان قدرت را به دست گرفتند، اموال بیت‌المال را به غارت می‌بردند و آنچه برای آنها مهم نبود، حفظ اسلام و نگهداری این دین نوپا بود، امام علی (علیه السلام) بعد از اینکه صفات قضاوت واقعی و جایگاه قضاوت و مسئولیت دولت در برابر قضات و قوه قضائیه را مطرح می‌کند،

۱. پس بدان، ای مالک من تو را به شهرهایی فرستادم که پیش از تو حکمرانان دادگر و ستمگر در آنها بوده (سیدرضی، نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، فراز ۵).

مالک را به پایش دقیق و شدید قضات و عملکرد آنها سفارش می‌کرده، و دلیل عمده تأکید خود را وضعیت اسفبار گذشته و قبل از خود، عنوان می‌دارد.

همچنین، امام علی (علیه السلام) در فراز ۴۲ عهدنامه، ضمن اشاره به وضعیت مصر، در زمان زمامداران پیش از خود و اینکه مبنای قضاوت، براساس دین و عدالت، نبوده و نیز با اشاره به فساد قضات، به مالک هشدار می‌دهد که هنگام گزینش قضات به عملکرد گذشته آنها دقت شود و کسانی برای تصدی امر قضاوت برگزیند که از هر گونه فساد میرا بوده‌اند «فَانظُرْ فِي ذَلِكَ نَظْرًا بَلِيغًا، فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ، يَعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَىٰ وَ تَطْلُبُ بِهِ الدُّنْيَا»^۱.

۳. سلامت نظام و شاخص‌های آن

فرمان هشت ماده‌ای

برای حرکت به سمت وضع مطلوب و مراقبت از «سلامت نظام» باید مبتنی بر شاخص‌ها و استانداردها، قدم برداشت؛ به همین دلیل، دورنمایی از نظام سالم در فرمان هشت ماده‌ای به چشم می‌خورد که شامل معیارها و شاخص‌های ذیل است:

– فعالیت‌های اقتصادی سالم؛

– ایجاد اشتغال؛

– سرمایه‌گذاری مطمئن؛

– صحت و سلامت ارتباطات حکومتی؛

– امانت‌داری و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی؛

– احساس امنیت و آرامش عمومی.^۲

فرمان امام علی (علیه السلام)

در فرمان امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر، در فرازهای مختلف، شاخص‌های مختلفی برای سلامت جامعه طرح شده است:

۱. پس درباره برگزیدن قضات و صفاتی که برای آنها شمرده از هر جهت اندیشه کن، زیرا این دین در دست اشترار و بدکرداران گرفتار بوده که در آن از روی هوا و خواهش رفتار می‌شده و با آن دنیا می‌خواسته‌اند (همان، فراز ۴۲).

۲. امروز کشور ما تشنه فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن است و این همه، به فضائی نیازمند است که در آن، سرمایه‌گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده کار و همه قشرها، از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند (خامنه‌ای، فرمان هشت ماده‌ای، ۱۳۸۰).

– ثبات و امنیت و ایجاد شرایط سرمایه‌گذاری مطمئن

امیر مؤمنان (علیه السلام) در همان فراز اول، پس از درآمدزایی، جهت ایجاد ثبات و امنیت جامعه، به جهاد با دشمنان داخلی و خارجی اشاره می‌کند؛ چراکه اصل امنیت، ضامن کسب درآمد و کیفیت مصرف آن است؛ اگر در جامعه‌ای امنیت نباشد، امکان کار و تولید نیست و در نتیجه، افراد درآمد کافی ندارند تا بخشی از آن را به‌عنوان مالیات در اختیار دولت قرار دهند؛ حتی اگر درآمد هم حاصل شود، لازمه هزینه کردن درست آن، در امور مورد نیاز، وجود امنیت و اطمینان خاطر است؛ در شرایط عدم اطمینان، سرمایه‌گذاری و تولید، مخاطره‌آمیز می‌شود و در نتیجه، فرایند تقویت تولید و سرمایه‌گذاری به وسیله هزینه‌ها و بر عکس، به هم خورده، جامعه دچار بحران می‌شود.

– امانت‌داری مسئولان

چنان‌که در فرمان امام علی (علیه السلام) به مالک، بر امانت‌داری و صداقت مسئولان و متصدیان امور، تأکید شده و در فرازهایی به آن پرداخته است؛ از نظر اسلام، مسئولیت و شغل، امانت است و این امانت باید به شایستگان سپرده شود؛ در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا (نساء، ۵۸)؛ خداوند به شما فرمان داده است که امانت‌ها را به اهلش بسپارید»؛ به عقیده علامه طباطبایی (رحمه الله)، امانت در این آیه، مفهومی عام است که همه امانت‌ها را در بر می‌گیرد؛ چه امانت مالی باشد یا غیر آن؛ مانند مشاغل، کارها، مسئولیت‌ها، منصب‌ها، رهبری و امامت جامعه و... .

امام علی (علیه السلام) مالک را به رعایت امانت‌داری سفارش می‌کند: «وَلَا تَقْبَلَنَّ فِي إِسْتِعْمَالِ عَمَالِكَ وَ أَمْرَائِكَ شَفَاعَةً إِلَّا شَفَاعَةَ الْكِفَايَةِ وَ الْأَمَانَةِ؛ در به کارگیری و استخدام عاملان و مسئولین، هیچ شفاعتی (معیاری) غیر از شفاعت شایستگی و امانت‌داری آنها را نپذیر» (سیدرضی، نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ هر نوع پست و شغل در نظام اسلامی امانتی است در دست مسئولان و با انتصاب فرد نالایق، در عمل، به اسلام و مسلمانان خیانت شده است.

– صداقت مسئولان

در رابطه با به کارگیری افراد صادق هم، به مالک سفارش می‌کند که: «وَالصَّقِّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَالصَّدَقِ؛ تا می‌توانی به پرهیزکاران و راستگویان ملحق شو و آنها را از یاران خود قرار ده»؛ «ورع»، به معنای تقوا در حد بالا و «صدق» همان راستگویی در مشورت‌ها و خبرهای گوارا و ناگوار است؛ علی (علیه السلام) در آنجا که مالک را مأمور نظارت پنهانی بر کارگزاران می‌کند نیز، از جمله خصوصیات مأموران و ناظران را، صداقت و وفاداری بیان می‌کند: «وَابْعَثِ الْعِيُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ الْوَفَاءِ».^۱

۱. پس در کارهایشان کاوش و رسیدگی کن و بازرس‌های راستکار و وفادار بر آنان بگمار (سیدرضی، نهج البلاغه، نامه ۵۳، فراز ۴۵).

۴. عوامل و مظاهر فساد

فرمان هشت ماده‌ای

هرگاه جامعه نتواند به درستی با فساد مبارزه کند، پیامدها و آثاری به دنبال آن خواهند آمد، از جمله: ناامنی و ناامیدی در سرمایه‌گذار، تولیدکننده، اشتغال‌خواه و دیگر اقشار جامعه و رواج استفاده از راه‌های نامشروع و غیرقانونی؛ و اینها زمانی تحقق می‌یابند که جامعه نتواند سلامت نظام را تأمین کند و در واقع آلوده به فساد شود؛ این آلودگی ناشی از فعال شدن برخی مظاهر و عوامل فساد آفرین است؛ مانند: مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی - امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدعا و انحصارجو.^۱

فرمان امام علی (علیه السلام)

امام علی (علیه السلام) در مواضع مختلف و در سراسر عهدنامه و به صورت‌های مختلف نسبت به امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدعا و انحصارجو مطالب مهمی را به مالک گوشزد کرده است؛ در فرازهایی از نامه ۵۳ به مسئله خواص و اطرافیان زمامدار از حیث فرصت‌طلبی‌ها و سوءاستفاده‌های احتمالی آنان پرداخته است. اهمیت مطلب زمانی بیشتر می‌شود که با گذری بر تاریخ اسلام، می‌توان ریشه بسیاری از مشکلات را در همین امتیازخواهی و ویژه‌خواری خواص دید.

در راستای تعلیل این امر، امام علی (علیه السلام) به برخی ویژگی‌های خواص مانند استنثار (ترجیح‌خواهی)، تطاول و تحمل نکردن رفتار منصفانه اشاره می‌فرماید: «ثُمَّ إِنَّ لِلْوَالِي حَاصَّةً وَ بَطَانَةً فِيهِمْ؛ اسْتِنْثَارٌ وَ تَطَاوُلٌ وَ قَلَّةٌ اِنْصَافٍ فِي مُعَامَلَةٍ؛^۲ «استنثار»، یعنی خود را بر دیگران مقدم دانستن و خودخواهی و خود را محور و محق دانستن. امام علی (علیه السلام) یکی از صفات اطرافیان را این می‌داند که به دلیل مرتبط بودن با مدیر، برای خود شأنیت و جایگاه و حقی قائل می‌شوند که به واسطه آن، معتقدند حق درخواست از دیگران را دارند و دیگران هم باید به آن جواب مثبت دهند؛ «تطاول» هم، یعنی تعدی و دست‌درازی به حقوق دیگران؛ اطرافیان مدیر به دلیل روحیه خودخواهی و خود برتری، به حق خود قانع نیستند و دائم میل دارند حقوق دیگران را به سمت خود بکشند و به آن تجاوز کنند.

۱. اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود و اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدعا و انحصارجو طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولیدکننده و اشتغال‌طلب، همه احساس ناامنی و نوسیدی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راه‌های نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد (خامنه‌ای، فرمان هشت ماده‌ای، ۱۳۸۰).
 ۲. سپس (بدان) حکمرانان را نزدیکان و خویشانی است که به خودسری و گردنکشی و دراز دستی (به مال مردم) و کمی انصاف خو گرفته‌اند (سیدرضی، نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، فراز ۷۰).

۵. نقش قوای سه گانه در سلامت نظام

وضعیت سلامت نظام، امری است که همه ابعاد و اجزای جامعه در برابر آن مسئول هستند و در این رابطه وظایفی بر عهده آنها گذاشته شده است؛ قوای سه گانه، به عنوان ارکان اصلی نظام نیز، هر یک به تناسب ماهیت خود، نسبت به سلامت اداری، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... و نیز جلوگیری و مبارزه با فساد، در ابعاد مختلف، وظایفی بر عهده دارند؛ در بخش دیگری از فرمان هشت ماده‌ای، به این وظایف به طور مختصر اشاره شده است.

۵-۱. پیشگیری (قوه مجریه)

فرمان هشت ماده‌ای

یکی از وظایف مهم قوه مجریه، نظارت سازمان یافته، دقیق و بی اغماض بر عملکرد نهادها و دستگاه‌های تحت مدیریت خود و در راستای پیشگیری از بروز رشد فساد مالی در آنهاست.^۱

فرمان امام علی (علیه السلام)

امام علی (علیه السلام) در فرازهای دیگری از فرمان خود به مالک اشتر، ضمن اشاره به امکان نداشتن تفویض و واگذاری مسئولیت می‌فرماید: «وَمَهْمَا كَانَ فِي كُتَابِكَ مِنْ عَيْبٍ فَتَغَابَيْتَ عَنْهُ أَلْزَمْتَهُ؛ و (باید بدانی) هر عیبی در منشیان مخصوص تو یافت شود که تو از آن بی خبر بمانی، مسئول خواهی بود». فلسفه نظارت نیز در همین امر نهفته است. بر همین اساس است که امام (علیه السلام) در فراز ۴۵ فرمان خود می‌فرماید: اعمال و رفتار کارگزاران را زیر نظر گیر (ثم تفقد اعمالهم) چراکه سازمانی که از آن بازرسی نشود روز به روز، رو به ضعف و نابودی می‌رود. در ادامه این فراز امام (علیه السلام) می‌فرماید: «وابعث العیون... علیهم» که به معنی آن است که امور کارکنان را تحت نظر و پایش پنهانی خود قرار ده و برای اینکار چشم‌ها و دیدگانی بر آنها بگمار که مخفیانه کارهایشان را تحت نظارت و پایش قرار دهند و از وضعشان برایت گزارش تهیه کنند.

۵-۲. اقدامات اصلاحی (قوه قضائیه)

فرمان هشت ماده‌ای

به رغم تلاش برای پیشگیری از وقوع فساد در نهادهای دولتی و خصوصی به دلیل اختیار داشتن

۱. خشکانیدن ریشه فساد مالی و اقتصادی و عمل قاطع و گره گشا در این باره، مستلزم اقدام همه جانبه به وسیله قوای سه گانه مخصوصاً دو قوه مجریه و قضائیه است. قوه مجریه با نظارتی سازمان یافته و دقیق و بی اغماض، از بروز و رشد فساد مالی در دستگاه‌ها پیشگیری کند (خامنه‌ای، فرمان هشت ماده‌ای، ۱۳۸۰).

انسان، همواره مصداق‌هایی از فساد و نارسایی‌ها، سلامت نظام را تهدید می‌کنند؛ که در این رابطه ضرورت اقدامات اصلاحی از سوی قوه قضائیه موضوعیت می‌یابد. به همین دلیل در بخش دیگری از فرمان هشت ماده‌ای مقم معظم رهبری، به قوه قضائیه توصیه شده است که با به‌کارگیری افراد متعهد و متخصص و کارشناسان و قضات قاطع و پاکدامن، مجرم و خائن و عناصر آلوده، از سر راه تعالی و توسعه کشور برداشته شوند.^۱

فرمان امام علی (علیه السلام)

در رابطه با اقدامات اصلاحی امام علی (علیه السلام) نیز از یک طرف بر تعهد و کارایی ناظران تأکید دارند و از سوی دیگر بر قاطعیت در برابر متخلفان و از جهت دیگر نیز به کارگیری قضات قاطع و آگاه را ضروری می‌دانند.

– تعهد و کارایی ناظران

بخش مهمی از فرمان حکومتی امام علی (علیه السلام) به مالک، به مدیریت امور اقشار مختلف اجتماعی اختصاص دارد؛ از جمله اقشاری که تأکید زیادی بر آنها و فلسفه وجودی آنها شده، قضات عادل هستند و از جمله خصوصیات که برای قضات مطرح شده، قاطعیت در بیان حکم، طمع نورزیدن و طمع کاری نکردن و توان علمی و تخصصی است که در مبارزه با فساد و برخورد با متخلفان تأثیرگذار هستند؛ امام علی (علیه السلام)، در بخشی از فراز ۴۵ و هنگامی که به معرفی بازرسان مخفی می‌پردازد، صفات و ویژگی‌هایی را هم برای آنها مطرح می‌سازد. حضرت علی (علیه السلام)، برای مأمورانی که مخفیانه بر کارکنان و نحوه برخورد و رفتار آنها بر مردم نظارت می‌کنند، دو خصوصیت عمده صدق و وفا را لازم می‌داند: «وابعث العیون من اهل الصدق والوفاء علیهم؛ پس بازرسانی راستگو و باوفا برای آنها بگمار»؛

– فسادزدایی و مبارزه با تخلفات

با توجه به اینکه خیانت افراد، در واقع نوعی سوءاستفاده و سنگ‌اندازی در مسیر جریان درست و مطابق با واقع است و به بیان دیگر، جلوگیری از انجام کارها در مسیر عدالت و فراهم کردن تحقق مصداق‌هایی از ظلم و ستم به دیگران و خدشه‌دار شدن چهره زمامدار و نیز شخصیت‌های حقیقی و حقوقی مختلف می‌شود، امام بر کشف خیانت و پیدا کردن این‌گونه افراد، تأکید می‌کند؛ فلسفه و هدف از بازرسی فسادزدایی و مبارزه با تخلفات اداری و ارتکاب جرم از ناحیه کارگزاران است؛

۱. و قوه قضائیه با استفاده از کارشناسان و قضات قاطع و پاکدامن، مجرم و خائن و عناصر آلوده را از سر راه تعالی کشور بردارد (همان‌جا).

چنانچه پس از انجام بازرسی و انعکاس گزارش از سوی بازرس، مدیر و مسئول توجهی به آن نکنند، نه تنها تلاش و فعالیت بازرس بی‌فایده است، بلکه موجب نقض غرض هم می‌شود (قوچانی، ۱۳۷۶، ص ۹۶).

۵-۳. قانون‌گذاری (قوه مقننه)

فرمان هشت ماده‌ای

مبارزه با فساد، مفسدان و خطاکاران، مستلزم قوانینی است که بتوانند هم در پیشگیری و هم در اقدامات اصلاحی، به قوای مجریه و قضائیه کمک کرده، موجب تسهیل راهکارهای قانونی و انجام وظایف نظارتی، به نحو مطلوب شوند؛ به همین دلیل در بخش دیگری از فرمان هشت ماده‌ای بر تصویب قوانین تسهیل‌کننده مبارزه با فساد، از سوی قوه مقننه تأکید شده است.^۱

فرمان امام علی (علیه السلام)

در عهدنامه امام علی (علیه السلام) نیز در موارد مختلفی بر رعایت ضوابط، قوانین و دستورالعمل‌هایی تأکید شده که تأثیر مستقیم آنها را می‌توان در رفع هرگونه تبعیض و تجاوز به حقوق دیگران جستجو کرد. برای مثال، هنگام ارزیابی عملکرد، اصولی مطرح می‌کند که در حقیقت تسهیل‌کننده مبارزه با فساد هستند. برای نمونه، در فراز ۳۸، به چند مصداق از رفتارهای تبعیض‌آمیز در ارزیابی عملکرد افراد اشاره شده است.

۵-۴. همکاری قوای سه‌گانه

فرمان هشت ماده‌ای

افزون بر وظایفی که هریک از قوای مجریه، قضائیه و مقننه در رابطه با سلامت نظام و جلوگیری از بروز مظاهر فساد و تخلف، دارند؛ یک سلسله وظایف مشترک نیز در این باره هستند که انجام درست آنها مستلزم همکاری صمیمانه قوای سه‌گانه و زیرمجموعه‌های آنها، به‌ویژه دستگاه‌های نظارتی مانند «سازمان بازرسی کل کشور»، «دیوان محاسبات» و «وزارت اطلاعات» در موارد ذیل است:

— شناسایی دقیق و درست نقاط آسیب‌دیده در گردش مالی و اقتصادی؛

— احتکار؛

— یاری رساندن به محاکم قضائی و مسئولان آسیب‌زدایی.^۲

۱. بدیهی است که نقش قوه مقننه در وضع قوانین که موجب تسهیل راهکارهای قانونی است و نیز در ایفای وظیفه نظارت، بسیار مهم و کارساز است (همان‌جا).

۲. بخش‌های مختلف نظارتی در سه قوه از قبیل سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و وزارت اطلاعات باید با همکاری صمیمانه، نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی کشور را به درستی شناسایی کنند و محاکم قضائی و نیز مسئولان آسیب‌زدایی در هر مورد را یاری رسانند (همان‌جا).

فرمان امام علی (علیه السلام)

امام (علیه السلام) در فراز ۵۵ از فرمان خود به مالک اشتر، با اشاره به برخی خصوصیات رفتاری و نقش اقتصادی تاجران و کسبه (فانهم مواد المنافع و اسباب المرافق) و ضمن معرفی آنها به عنوان افرادی «پرتلاش و جستجوگر»: (و جلابها من المباعده و المطارح، فی برک و بحرک و سهلک و جبلک)^۱، «شجاع و مخاطره‌پذیر»: (و حیث لایلتئم الناس لمواضعها و لایجتروون علیها)^۲، نسبت به مراقبت از عملکرد آنها سفارش کرده و در این باره در فراز ۵۶ می‌فرماید: «وتفقد امورهم بحضرتک و فی حواشی بلادک؛ به کار آنان رسیدگی کن و آنها را با دقت تحت نظر داشته باش، چه در مرکز حکومت و در حضور تو و نزدیک تو باشند و چه در شهرهای دور از تو فعالیت کنند»؛ چراکه: «واعلم مع ذلک، ان فی کثیر منهم...؛ ای مالک، با تمام آنچه گفته شد، بدان که در میان این افراد، جمع کثیری هستند...» که به‌رغم آثار مثبت و صفات نیکو، به اقتضای ماهیت کارشان، از مسیر سالم خود منحرف شده، دچار تنگ‌نظری فاحش و سخت‌گیری در معامله، می‌شوند (ضینفاً فاحشاً)، بخل می‌ورزند (شحاً قبیحاً) و برای افزایش سود و منفعت خویش، دست به احتکار می‌زنند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۵، ص ۳۶)؛ کلام ارجمند امام (علیه السلام)، در این باره آن است که برخی احتکارگرند: «ان فی کثیرهم... احتکاراً للمنافع»^۳؛ و برخی اقدام به نرخ‌گذاری خودسرانه (تحکماً فی البیاعات) می‌کنند؛ امام علی (علیه السلام)، در ادامه، مالک را به مقابله با این‌گونه اعمال، به خصوص احتکار، سفارش (فامنع من الاحتکار فان رسول الله منع منه) و بر مجازات محکومان تأکید می‌کند: «فمن قارف حکرة بعد نهیک اياه»^۴ و به مالک این گونه می‌فرماید که؛ اگر کسی پیدا شد که به‌رغم نهی تو از احتکار، باز هم اقدام به این کار کرد، اولاً، او را تعزیر کن (فنکل به) و ثانیاً، او را متناسب با جرم مجازات کن (و عاقبه فی غیر اسراف).

۵-۵. نقش وزارت اطلاعات

فرمان هشت ماده‌ای

از جمله نهادهایی که می‌توانند در مبارزه با فساد، نقشی بسزا ایفا کنند، وزارت اطلاعات است؛ چراکه به اقتضای ماهیت و وظایف خود، می‌تواند به صورت آشکار و نهان، از عملکرد افراد

۱. یعنی اینان جلب‌کننده و به‌دست آورنده منافع از نقاط دوردست و پرتگاه‌ها در خشکی و دریا و دشت و کوه واقع در قلمرو زمامداری تو می‌باشند.
۲. یعنی این گروه برای نقل و انتقال کالا در جاهایی تلاش و کوشش می‌کنند که دیگر مردم اولاً، از این فعالیت‌ها خودداری کرده و میلی به آن نشان نمی‌دهند و ثانیاً جرأت قرارگرفتن در چنین مواضع و حرکت به سوی این مناطق را ندارند.
۳. بسیاری از تاجران و اهل کسبه اقدام به احتکار می‌کنند.
۴. پس چنانچه پس از اخطار و نهی تو باز هم کسی احتکار کرد او را به کیفر برسان.

حقیقی و حقوقی، کسب اطلاع کند؛ به همین دلیل در بند ششم فرمان هشت ماده‌ای مقم معظم رهبری، ضمن اشاره ویژه به این وزارت، تصریح می‌کند که وظیفه وزارت اطلاعات، پوشش اطلاعاتی دادن به دولت و دستگاه قضائی، راجع به نقاط آسیب‌پذیر در فعالیت‌های اقتصادی کلان است، مانند:

- معاملات و قراردادهای خارجی؛
- سرمایه‌گذاری‌های بزرگ؛
- طرح‌های ملی؛
- مراکز مهم تصمیم‌گیری اقتصادی و پولی کشور.^۱

فرمان امام علی (علیه السلام)

یکی دیگر از گروه‌های مهم اجتماعی که امام علی (علیه السلام) اهتمام بسیاری به آنها داشته و درباره آنها به مالک سفارش می‌کند، «کتاب» هستند. «کتاب کسانی چون نویسندگان، مأموران ثبت و ضبط، کارمندان دفتری، مسئولین دفتر سرپرستی، مسئولین صدور فرامین و بخشنامه‌ها، تنظیم‌کنندگان نامه‌ها و عاقدین قراردادها هستند» (حسینی سیاهپوش، ۱۳۶۴، ص ۲۶۱). به سخن دیگر، کتاب را می‌توان دبیران، منشیان، مدیران دفاتر وزارتخانه‌ها و ارگان‌ها و نهادها، دبیرخانه‌های ادارات و نویسندگان دفاتر و دبیرخانه‌ها دانست که در میان اقشار جامعه جایگاه مهمی دارند.

البته، با توضیحاتی که امام علی (علیه السلام) در این مورد می‌دهد، چنین استفاده می‌شود که مفهوم «کتاب»، فراتر از نویسندگان است؛ بلکه در حقیقت مقصود آن حضرت، بخش اطلاعات و ارتباطات است که رسائل و نامه‌ها جزء آن هستند؛ زیرا در سفارش کاتبان به مالک اشتر، به اطلاعات سری اشاره می‌شود که افراد صالح و متخلق به اخلاق انسانی و اسلامی را می‌طلبند تا عهده‌دار این مسئولیت شوند و اینکه آنان باید در همه امور حضور داشته باشند، تا والی از همه آن امور مطلع باشد. از سوی دیگر، اشاره می‌شود که کاتبان حلقه وصل و ارتباطی میان والی و دیگر کارگزاران هستند و قراردادهای را نیز آنان می‌بندند.

امام علی (علیه السلام) در فرازهای ۵۲ تا ۵۴، به‌طور تفصیلی ویژگی‌ها و صفات این گروه و نحوه برخورد زمامدار با آنها را بررسی کرده است. آن حضرت در ابتدای فراز ۵۲، به دقت و اندیشه در وضع آنها فرمان می‌دهد (ثم انظر فی حال کتابک).

۱. وزارت اطلاعات موظف است در چارچوب وظائف قانونی خود، نقاط آسیب‌پذیر در فعالیت‌های اقتصادی دولتی کلان مانند: معاملات و قراردادهای خارجی و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، طرح‌های ملی و نیز مراکز مهم تصمیم‌گیری اقتصادی و پولی کشور را پوشش اطلاعاتی دهد و به دولت و دستگاه قضائی در تحقق سلامت اقتصادی یاری رساند و به‌طور منظم به رئیس‌جمهور گزارش دهد (خامنه‌ای، فرمان هشت ماده‌ای، ۱۳۸۰).

موقعیت و جایگاه ویژه دبیران، به خصوص دبیران خاص، به گونه‌ای است که اغلب با نامه‌های محرمانه و قراردادهای حساس، که حاوی نقشه‌ها و اسرار مخفی، سر و کار دارند؛ بر همین اساس، نخستین خصوصیت و ویژگی که باید واجد آن باشند، آن است که قدرت کتمان امور را داشته و محرم اسرار باشند؛ به گونه‌ای که نتوان به آسانی آنها را تخلیه اطلاعاتی کرد؛ در همین رابطه، امام (علیه السلام) در ادامه فراز ۵۲ نوع کارها و مسئولیت‌هایی را که باید به دبیران سپرده شود، اموری می‌داند که مشمول رازها و اسرار و تدابیر زمامدار و والی خواهند بود «وَ اَخْصُصْ رَسَائِلَكَ الَّتِي تُدْخِلُ فِيهَا مَكَايِدَكَ وَ اسْرَارَكَ».

۶. اصول حاکم بر مبارزه با فساد

فرمان هشت ماده‌ای

فرمان هشت ماده‌ای در سال ۱۳۸۰ ش. و هم‌زمان با نام‌گذاری این سال به سال «رفتار علوی» و با توجه به محتوای این فرمان، در واقع بیانگر این مطلب است که کیفیت مبارزه با مظاهر فساد و کسانی که سلامت جامعه را به خطر می‌اندازند باید با تأسی از شیوه‌های حاکم بر «رفتار علوی» و الگوگیری از عملکرد امام علی (علیه السلام) صورت بگیرد.^۱

حاکمیت «رفتار علوی» بر مبارزه با فساد، ایجاب می‌کند شیوه‌ها و روش‌هایی در این راستا به کار گرفته شوند که مبتنی بر اصولی خاص باشند. از جمله:

۶-۱. قاطعیت

از آنجا که مبارزه با فساد قطعاً با منافع عده‌ای سودجو و انحصارطلب در تضاد است، گام نهادن در این وادی مقاومت‌هایی را در پی دارد؛ این مقاومت‌ها بیشتر از سوی کسانی خواهد بود که از این اقدام بزرگ متضرر می‌شوند و به دو گروه قابل تقسیم‌اند:

— بددلان: کسانی که با سعادت ملت و کشور مخالف‌اند؛

— ساده‌دلان: کسانی که از القانات بددلان تأثیر پذیرفته و با آنان هم‌صدا شده‌اند.

نحوه عملکرد این دو گروه به گونه‌ای است که به محض آغاز مبارزه زمزمه‌ها و به تدریج فریادها و نعره‌های مخالفت با آن را بلند می‌کنند. در هر حال درک این واقعیت ایجاب می‌کند که موضع‌گیری‌هایی متناسب با مخالفت‌ها صورت گیرد به گونه‌ای که مخالفت‌ها نتوانند در عزم

۱. نام‌گذاری اسما (۱۳۸۰) به نام مبارک «رفتار علوی» فرصت مناسبی است که شما برادران عزیز، خط مراقبت از سلامت نظام را که بحمدالله در سال‌های گذشته همواره در کار بوده، فعالیتی تازه‌نفس و سازمان‌یافته ببخشید و با همکاری و اتحاد، افق‌ها را در برابر چشم این ملت نجیب و مؤمن، روشن‌تر و شفاف‌تر سازید (همان‌جا).

راسخ مبارزه با فساد ایجاد خلل کنند. به همین دلیل در فرمان هشت ماده‌ای، به مصداق‌هایی از برخورد قاطعانه با متخلفان اشاره شده است مانند:

- مبارزه جدی با فساد اقتصادی^۱ و مالی؛
- عدم تسامح در مبارزه با فساد؛^۲
- عدم تزلزل در برخورد با مجرم و متخلف.^۳

فرمان امام علی (علیه السلام)

درباره برخورد کردن با متجاوزان به بیت‌المال و افرادی که امنیت و ثبات جامعه را برهم می‌زنند، در فرمان امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر مواردی است که رعایت آنها به‌عنوان اصول حاکم، مورد تأکید قرار گرفته است:

- جدی بودن و قاطعیت

در بیان خصوصیات کارگزاران، جدی بودن و قاطعیت در برخورد با اقربا و قدرتمندان را به مالک گوشزد می‌کند که: «ویرأف باضعفاء و یثبؤ علی الاقوی؛ مسئول و کارگزار شایسته کسی است که با قدرتمندان (چه از نظر اعتبار، شخصیت، یا قدرت مالی، یا قدرت سیاسی و...) قاطعانه برخورد کند و با استقامت و بدون انعطاف و تحت ضابطه‌ای خواسته‌های آنان را در نظر بگیرد و در مقابل، نسبت به ضعیفان (چه از نظر مالی، یا امور اجتماعی، یا مسائل دیگر) مهربان و دلسوز بوده و بر آن باشد که گرفتاری‌های آنان را با بستن کمر همت، مردانه مرتفع سازد.

- شجاعت و عدم تسامح

همچنین آنجا که بحث از به کارگیری یاران اثربخش است، بر صفاتی چون دلاوری و بلندهمتی،

۱. با آغاز مبارزه جدی با فساد اقتصادی و مالی، یقیناً زمره‌ها و به تدریج فریادها و نعره‌های مخالفت با آن بلند خواهد شد. این مخالفت‌ها عمدتاً از سوی کسانی خواهد بود که از این اقدام بزرگ متضرر می‌شوند و طبیعی است بددلانی که با سعادت ملت و کشور مخالف‌اند یا ساده‌دلانی که از القائنات آنان تأثیر پذیرفته‌اند با آنان هم‌صدا شوند. این مخالفت‌ها نباید در عزم راسخ شما تردید بیفکند (همان‌جا).

۲. به مسئولان خیرخواه در قوای سه‌گانه پیاموزید که تسامح در مبارزه با فساد، به نوعی همدستی با فاسدان و مفسدان است (همان‌جا).

۳. اعتماد عمومی به دستگاه‌های دولتی و قضائی در گرو آن است که این دستگاه‌ها در برخورد با مجرم و متخلف قاطعیت و عدم تزلزل خود را نشان دهند (همان‌جا).

۴. «یثبؤ» از ریشه «ثبؤ» بر وزن «نذر» در اصل به معنای اثر نگذاشتن شمشیر و تیر و امثال آنهاست؛ سپس به معنای موافق بودن و تسلیم نشدن به کار رفته و در عبارت بالا همین معنا اراده شده است (همان‌جا).

شجاعت و سلحشوری تأکید دارند: چراکه زمامدار وظایفی دارد که انجام صحیح آنها بدون بهره‌گیری از افرادی با چنین خصوصیات امکان‌پذیر نیست؛ قبول مسئولیت‌های سنگین با دورنمای مبهم و تاریکی که در آغاز کار دارد، جز برای افراد شجاع ممکن نیست.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در برشمردن اوصاف یک فرمانده نمونه، در فرمان خود به مالک اشتر به‌طور ویژه روی مسئله «شجاعت» به‌عنوان یک خصلت خانوادگی آنها، تأکید کرده و می‌فرماید: «ثم اهل النجدة والشجاعة والسخاء^۱ و السماحة^۲».

به همین روال، آنجا که ویژگی‌های قضات را بیان می‌کند مواردی را بر می‌شمارد که واجدان آنها را در برخورد و مبارزه با مفسدان، مجرمان و متخلفان می‌تواند کارا و اثربخش سازد. متصدی امر قضا باید کسی باشد که طرفین دعوا نتوانند با لجاجت، نظر خود را بر او تحمیل کنند (ولا تحکمه الخصوم)؛ در واقع، باید شخصیتی والا، نفسی کامل و دارای وقار و نفوذ باشد؛ از جمله ویژگی‌های دیگر قاضی آن است که باید به‌هنگام آشکار شدن حق در انشای حکم از همه قاطع‌تر باشد (و اصرههم عند الضاح الحکم) و از صفاتی که می‌توانند قاطعیت قاضی در بیان حق را دچار تزلزل کرده و او را در این مسیر دچار وسواس کنند، پرهیز شود؛

— مجازات مجرمان

در رابطه با قاطعیت در مجازات مجرمان و کیفیت برخورد با کارگزاران خاطی نیز دستورهای انضباطی مهمی در فرمان امام (علیه السلام) به مالک دیده می‌شود؛ آن حضرت به مالک می‌فرماید: هرگاه به واسطه اتفاق نظر نظار (جاسوسان خود) مخفی بر خیانت فردی از کارگزاران واقف شدی، به همین مقدار از شهادت آنها بسنده کن و فوراً شخص متخلف و خائن را سرزنش کن و او را به کیفری که مستحق آن است برسان (فبسطت علیه العقوبة)؛ وقتی فردی دست به خیانت می‌زند، بسته به کاری که انجام داده است، مستحق تنبیه و مجازات می‌شود.

— عقوبت بدنی: بخشی از مجازات‌ها به‌گونه‌ای هستند که حالت مادی و جسمانی دارند. به همین دلیل است که امام علی (علیه السلام) به‌عنوان نخستین شیوه مجازات، بر عقوبت بدنی تأکید می‌کند که: «فبسطت علیه العقوبة فی بدنه؛ در صورت لزوم بر آنها تنبیه بدنی روا دار».

— پس گرفتن عواید ناحق: به‌عنوان شیوه تنبیهی دیگر، امام (علیه السلام) در ادامه این‌گونه می‌فرماید که: «و اخذته بما اصاب من عمله»، یعنی آنچه را با این کارش به‌دست آورده، از او بستان. «اخذت» در اصل از ریشه «اخذ» به معنای گرفتن است.

۱. «السَّخَاءُ» همان مفهوم سخاوت را می‌رساند. ۲. «السَّمَاخَةُ» به معنای سعه صدر و بزرگواری است.

بیان امام (علیه السلام) از یک سو مبین آن است که مجازات باید به اندازه جرم باشد، نه بیشتر و نه کمتر؛ و از سوی دیگر، دلالت بر آن دارد آنچه را که به ناحق گرفته از او بازستان؛ یعنی هرگاه بر فرض رشوه‌ای گرفته، یا به نوعی ویژه‌خواری کرده و در بیت‌المال مستقیم یا غیرمستقیم تصرفی نابه‌جا کرده است، افزون بر کیفر بدنی، هرچه را اخذ کرده از او باز پس بگیر.

— مجازات روحی و روانی: البته آنچه یک متخلف به دلیل خیانت به‌دست می‌آورد، لزوماً مادی نیست و جنبه‌های غیرمادی نیز دارد؛ در چنین حالت‌هایی است که مجازات‌ها، متناسب با خطای فرد، جنبه‌های روحی و روانی پیدا کرده و بر این تأکید می‌شود که به فرد خیانتکار، لطمات روحی و روانی وارد شود تا بدین وسیله آبرو و شهرت دروغینی که کسب کرده، از میان برود. امام علی (علیه السلام) به برخی از این نوع کیفرها اشاره می‌فرماید: از جمله:

— عقوبت کاری و سازمانی: که امام (علیه السلام) می‌فرماید: «ثم نصبته بمقام المذله؛ سپس او را به مقام خواری و ذلت بنشان و بی‌مقدار و خوارش کن»؛

— عقوبت اجتماعی: که در این‌گونه موارد است که متناسب با نوع خطا، گاه باید برای فرد کیفرهایی در نظر گرفت که هم به هیچ روشی نتواند آن را پنهان سازد و همه از آن اطلاع یابند و هم، بتواند به طور برجسته‌ای مایه عبرت دیگران قرار گرفته و ضریب بازدارندگی زیادی برای دیگر خاطیان داشته باشد. امام (علیه السلام)، به برخی مصادیق عقوبت‌های اجتماعی اشاره می‌فرماید مثل:

— معرفی فرد به‌عنوان خائن: امام (علیه السلام)، یکی از راه‌های کیفر افراد خائن را این می‌داند که: «و رسمته بالخیانه»؛ یعنی داغ خیانت را بر پیشانی آنها بزن و او را در جامعه به‌عنوان خائن معرفی کن، تا در جامعه به تخلف و خیانت شناخته شود و سرمشق و درس خوبی برای دیگران قرار گیرد؛

— رسواسازی: در پایان این فراز امام (علیه السلام)، می‌فرماید: «و قلده عار التهمة»، یعنی افزون بر داغ خیانت، قلاده ننگ و اتهام را بر گردنش بیفکن و او را در میان مردم چنان معرفی کن که انگشت‌نمای خاص و عام شده و اعتبار و آبرویی که به ناحق کسب کرده، نزد مردم از بین رفته و مایه عبرت دیگران شود و افرادی که احتمال آلودگی آنها وجود دارد، با دیدن او از خطاهای احتمالی آینده باز داشته شوند.

۶-۲. عدالت در ارزیابی‌ها

فرمان هشت ماده‌ای

یکی از اصول مهم حاکم بر کیفیت مبارزه با فساد، در پیش گرفتن عدالت در ابعاد مختلف آن و پرهیز از رفتارهای تبعیض‌آمیز است؛ در این رابطه در فرمان هشت ماده‌ای، به مصداق‌هایی از

برخوردهای عادلانه اشاره شده است مانند: عدالت قاطعانه، دقت، ظرافت،^۱ برخورد یکسان با فساد در هر جا و هر مسند^۲ و تشویق صالحان و خدمتگزاران.^۳

فرمان امام علی (علیه السلام)

همان‌گونه که در فرمان هشت ماده‌ای آمده یکی از اهداف مبارزه با فساد، تحقق بخشیدن عدالت اسلامی است و در این مسیر بر رفتار قاطع و منصفانه علوی تأکید شده؛ و از دولتمردان می‌خواهد گام‌های استوار خود را در ارائه الگوی کشوری عدالت محور، رو به پیش بردارند و همّت‌ها را حفظ و به قله‌های آرمانی انقلاب فکر کرده و در راستای آن اقدام کنند: «ما باید یک کشور نمونه بسازیم و نشان دهیم که اسلام می‌تواند با اجرای قوانین خود و با حاکمیت خود، انسان‌ها را از لحاظ نیازهای مادی و معنوی اشباع کند. ما باید عدالت را در واقع جامعه خودمان تجسم ببخشیم و روی دست بگیریم و به دنیا نشان بدهیم» (خامنه‌ای، فرمان، ۱۳۸۳)، امام علی (علیه السلام)، نیز در آغاز فراز دهم فرمان خود، مالک را به رفتار توأم با انصاف در رابطه خود با خدا فرا می‌خواند «انصف الله» (ای مالک انصاف را در رابطه با خدا به جا آور) و این، یعنی تقید به رعایت باید‌ها و نباید‌های الهی، شاکر نعمت‌های او بودن و پرهیز از هرگونه کفران نعمت (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱).

امام (علیه السلام) در ادامه و پس از سفارش به رعایت انصاف در رابطه با خدا، به رعایت انصاف در رابطه با مردم اشاره می‌کند و این نشان از آن دارد که میان خدا و خلق، ارتباط و هماهنگی وجود دارد؛ یعنی کسی که انصاف را در رابطه با خدا به جای می‌آورد و مفهوم رعایت انصاف در رابطه با خلق این است که از برقرار شدن روابط تبعیض‌آمیز جلوگیری کند، چراکه مردم در عمل بر بسیاری از دشواری‌های زندگی و نامالایمات و فشارهای اقتصادی و... صبر و تحمل می‌کنند؛ ولی و بی‌انصافی و خلاف عدالت را به هیچ‌وجه نمی‌پذیرند و تحمل نمی‌کنند.

– انصاف: ابزار همدلی

در واقع، رعایت اصل انصاف و عدالت و در مقابل آن پرهیز از ظلم و تعدی، از جمله مهم‌ترین اصولی هستند که می‌توانند منشأ نفوذ در دل‌های دیگران و در نتیجه اثربخشی عملکرد زمامدار شوند. عدالت‌خواهی امری فطری و نزد هر انسانی مطلوب و پسندیده است؛ چنان‌که قباحت ظلم،

۱. ضربه عدالت باید قاطع ولی در عین حال دقیق و ظریف باشد (خامنه‌ای، فرمان هشت ماده‌ای، ۱۳۸۰).

۲. با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد (همان‌جا).

۳. مدیران درستکار و صالح و خدمتگزار که بی‌گمان، اکثریت کارگزاران در قوای سه‌گانه کشور را تشکیل می‌دهند نباید مورد سوءظن و در معرض اهانت قرار گیرند و یا احساس ناامنی کنند. چه نیکو است که تشویق صالحان و خدمتگزاران نیز در کنار مقابله با فساد و مفسد، وظیفه‌ای مهم شناخته شود (همان‌جا).

تبعیض و نبودن عدالت هم، امری فطری است؛ چراکه هیچ انسانی را نمی‌توان یافت که آشکارا تبلیغ ظلم و نفی عدل کند؛ حتی ظالم‌ترین افراد، عمل خود را با توجیهی، در قالب عدل انجام می‌دهند؛ «عدالت» را که گمشده انسان‌ها در عصرها و دوران‌های گوناگون است... امروز هم در دنیا بزرگ‌ترین مشکل بشر بی‌عدالتی است» (خامنه‌ای، ۸۴/۱۰/۲۹).

– عدالت: هدف نظام خدامحور

با توجه به سخنان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) هنگام پذیرش حکومت، فلسفه وجودی حکومت در احقاق حق و برپایی عدالت نهفته است. «حکومت معنایش این است که انسان حقی را احقاق کند؛ عدل را بر پا بدارد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: این حکومت به قدر این کفش، یا بند این کفش، برای من ارزش ندارد. بعد فرمودند: «ألا ان اقيم حقاً»؛ (سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۳۳) مگر اینکه حقی را اقامه کنم».

– ارزیابی مبتنی بر انصاف

از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، مهم‌ترین مسئله که می‌تواند در ارزیابی عملکرد و کیفیت آن دخیل باشد، رعایت عدل و انصاف و به عبارتی ارزیابی مبتنی بر انصاف و نبودن تبعیض است. امام (علیه السلام) در فراز بیستم از فرمان خود، مالک را به رعایت این اصل مهم سفارش می‌کند که: «ولا یكونن المحسن والمسیئ عندک بمنزلة سواء» ای مالک بدان که اگر نیکوکار و بدکار نزد تو یکسان تلقی شوند؛ «فان فی ذلک» اولاً، باعث می‌شود که نیکوکاران نسبت به نیکوکاری بی‌تفاوت شوند و انگیزه‌ای برای استمرار آن در خود نیابند چراکه آثاری بر آن مترتب نمی‌بینند (تزهیداً لاهل الاحسان فی الاحسان)؛ ثانیاً، باعث می‌شود بدکاران نیز در استمرار کارهای نادرست خود تشویق شوند، چراکه آنها هم آثاری بر آن مترتب نمی‌بینند (وتدریباً لاهل الاسائة علی الاسائة). بنابراین، ای مالک: «والزم کلاً منهم ما الزم نفسه؛ هرکدام از افراد بدکار یا نیکوکار را مطابق کارش پاداش و کیفر بده».

۳-۶. پرهیز از رفتارهای تبعیض‌آمیز

فرمان هشت ماده‌ای

از دیگر اصول مهم در مبارزه با فساد، پرهیز از رفتارهای تبعیض‌آمیز است؛ در این باره در فرمان هشت ماده‌ای، به مصداق‌هایی از این نوع برخوردها اشاره شده است، مانند:

– پرهیز از متهم کردن بی‌گناهان؛

– پرهیز از معامله یکسان میان خیانت و اشتباه؛

- پرهیز از یکسان گرفتن گناهان کوچک با گناهان بزرگ؛^۱
- پرهیز از هرگونه تبعیض در امر مبارزه با فساد؛^۲
- پرهیز از استثناء کردن افراد حقیقی و حقوقی؛^۳
- پرهیز از پذیرش عذر انتساب به مسئولان کشور.^۴

فرمان امام علی (علیه السلام)

— مصداق‌هایی از ارزیابی‌های تبعیض آمیز

امام علی (علیه السلام) در فراز ۳۸ فرمان خود، به چند مصداق از رفتارهای تبعیض آمیز در ارزیابی عملکرد افراد اشاره دارد و به مالک هشدار می‌دهد که ضمن پرهیز، از دخالت دادن اموری مثل مقام و موقعیت، بزرگی و کوچکی، شهرت و گمنامی، ثروت و فقر و...، تلاش کند. برخی از این مصداق‌ها عبارت‌اند از:

- منظور کردن کار هر کس برای خودش: از آنجا که هر کس مسئول و مالک کار خویش است و باید به پاداش خوب و بد آن برسد و نیز کم و کیف کارش نیز مربوط به خود اوست (حسینی سیاهپوش، ۱۳۶۴، ص ۱۹۴)، امام علی (علیه السلام) به مالک این‌گونه می‌فرماید: «باید رنج و تلاش و کار و کوشش هر کس را به خود او نسبت دهی و برای خودش پشناسی (ثم اعرف لکل امرئ منهم ما ابلی)»؛
- به حساب دیگری نگذاشتن کار افراد: گاهی اوقات در مدیریت‌ها دیده می‌شود که کار فردی به دیگری نسبت داده می‌شود و مصداق‌هایی از تبعیض و ظلم، از این زاویه تبلور پیدا می‌کنند؛ مثلاً ممکن است خدمت‌ها و به‌ویژه خدمات افراد زیردست به پای سرپرستان گذاشته شود، یا برعکس اگر کار سرپرستان دارای نقص و نارسایی باشد، به نوعی آن را به زیردستان نسبت دهند؛ امام علی (علیه السلام)، ضمن پرهیز از چنین رفتارهایی، می‌فرماید: «هرگز کار و رنج کسی را نباید به دیگری چسبانیده و نسبت دهی؛ به گونه‌ای که اگر زیردست یا زیردستانی کار خوبی کرده‌اند، آن را به سرپرستی که انجام نداده، یا کسی که آن را نکرده، نسبت دهی و در نتیجه زحمت را آنها بکشند و پاداش را دیگری بگیرد» (ولا تضمن^۵ بلاء امرئ الی غیره)؛

۱. متهم کردن بی‌گناهان، یا معامله یکسان میان خیانت و اشتباه، یا یکسان گرفتن گناهان کوچک با گناهان بزرگ جایز نیست (همان‌جا).
۲. در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود (همان‌جا).
۳. هیچ کس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثناء شود (همان‌جا).
۴. هیچ شخص یا نهادی نمی‌تواند با عذر انتساب به اینجانب یا دیگر مسئولان کشور، خود را از حساب‌کشی معاف بشمارد (همان‌جا).
۵. «لا تضمنن» از ریشه «تضمن» بر وزن «تعهد» به معنای در بر داشتن و شامل شدن چیزی است و در جمله بالا به این اشاره دارد که موارد قوت کسی را برای دیگری قرار نده و ضمیمه دیگری مساز.

— کم نگذاشتن از کار افراد: پاداش عملکرد افراد، باید دقیقاً مورد سنجش واقع شده و ملاک و معیار آن هم، باید قوانین و مقررات و معیارهای منطقی و قانونی باشد؛ به سخن دیگر، پاداش باید کاملاً غیرشخصی و طبق ضوابط و عادلانه و به اندازه تلاش افراد (نه کم و نه زیاد) پرداخت شود؛ پاداش نباید شخصی و براساس حبّ و بعض و هوا و هوس، به کسی پرداخت شود؛ به نحوی که سرپرست و ارزیاب، به هر کس که دلش نخواست و از هر کس که خوشش نیامد یا حقیرش دید یا خرده حسابی با او داشت، ندهد یا کم بدهد (حسینی سیاهپوش، ۱۳۶۴، ص ۱۹۵)؛ در همین راستاست که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مالک دستور می‌دهد که باید در دادن پاداش افراد، قصور و کوتاهی نکنی و اگر کسی کاری بزرگ کرده است، پاداش بزرگ و در خور به او بدهی؛ آن‌گونه که مقررات حکم می‌کند: (ولا تقصرن به دون غایة بلائه)؛

— قصور نکردن در ادای پاداش افراد: از بیان امام (علیه السلام)، یعنی «و لا تقصرن به دون غایة بلائه»، همچنین برمی‌آید که در دادن پاداش کار افراد، نباید این دست و آن دست کرد و بی‌جهت کوتاهی ورزید و آن را به تأخیر انداخت؛ بلکه باید بلافاصله پس از انجام کار، پاداش به آنها برسد؛ براساس روایات، پیش از آنکه عرق تلاش کننده خشک شود، باید مزد و پاداش او پرداخته شود؛

— بزرگ نشمردن کارهای کوچک افراد: یکی دیگر از مصداق‌های تبعیض در ارزیابی عملکردها و نیز دادن پاداش به افراد، آن است که بر ملاک‌های غیرکاری و غیرمربوط، در سنجش کارها توجه شود؛ در واقع ارزیابی کارها را مثل پاداش آنها نباید شخصی کرد و نظریات خصوصی خود یا شخصیت و موقعیت طرف را در آن دخالت داد؛ بلکه باید بی‌طرفانه و براساس مقررات، عمل شود و برای هر کار به همان اندازه که واقعاً ارزش دارد و شاخص‌های ارزشیابی کار نشان می‌دهند، ارزش قائل شد و پاداش داد؛ در همین راستا امام (علیه السلام) می‌فرماید: «اگر فردی با قدرت، با نفوذ، با پارتی، صاحب مقام، عالی‌رتبه و ثروتمند، کاری کوچک انجام داد، نباید موقعیت اجتماعی و اداری او، باعث بزرگ شمردن کار او شود؛ چراکه در واقع در اینجا امری غیرکاری و غیرمربوط به اصل کار، منجر به بزرگ جلوه دادن کار شده و قطعاً هرگونه پاداش به آن، غیرواقعی و تبعیض‌آمیز است؛ چراکه ماهیت، ذات و حقیقت کار، کوچک و مستحق پاداش به این اندازه نیست (و لا یدعونک شرف امرئ الی ان تعظم من بلائه ما کان صغیراً)؛

— کوچک نشمردن کارهای بزرگ افراد: گاهی اوقات فردی کاری بزرگ انجام می‌دهد و مستحق پاداش متناسب با آن است؛ اما احتمال دارد که بزرگی کار، تحت الشعاع ملاک‌هایی تبعیض‌آمیز، مانند گمنامی، بی‌پولی، فقر و... قرار گرفته و بهای لازم به آن داده نشود و با معیارهایی غیرمرتبط با کار، آن کار کوچک شمرده شود؛ در این‌گونه موارد نیز امام (علیه السلام) به مالک هشدار می‌دهد که مبادا اگر کسی که قدرتی، نفوذی، پولی، مقامی و رتبه‌ای ندارد و کاری بزرگ انجام داد،

آن را، به واسطه موقعیت به ظاهر ضعیف وی، کوچک شمرد، دست کم بگیری و در نتیجه، پاداش در خور، به او تعلق نگیرد (ولا ضعه امرئ الی ان تستصغر من بلائه ما کان عظیماً).

۷. ویژگی‌ها و خصوصیات عوامل مبارزه با فساد

فرمان هشت ماده‌ای

از جمله عوامل دیگری که در مبارزه با فساد تأثیرگذار است، ویژگی‌ها و خصوصیات کسانی است که می‌خواهند با این امر برخورد کنند؛ اینان باید هم از تخصص و تعهد لازم را داشته باشند و هم در عمل بتوانند از عهده آن بر آیند. در واقع، رفتاری که در میدان مبارزه با فساد، درگیر می‌شود باید متناسب با ماهیت فساد و مفسدان و خنثی‌کننده آن باشد، به برخی از ویژگی‌های چنین رفتاری در فرمان هشت ماده‌ای اشاره شده است، مثل:

جهاد از سر اخلاص، همتی سستی ناپذیر، قاطع و محکم، منصفانه، اتکا به کمک الهی، اتکا به حمایت مردمی،^۱ مطمئن، برخوردار از سلامت، امانت^۲ و صالح.^۳

فرمان امام علی (علیه السلام)

— خصوصیات و ویژگی‌های ناظران

حضرت علی (علیه السلام)، برای مأمورانی که مخفیانه بر کارکنان و نحوه برخورد و رفتار آنها بر مردم نظارت می‌کنند، دو خصوصیت عمده را لازم می‌داند: «وابعث العیون من اهل الصدق و الوفاء علیهم» (پس بازرسانی راستگو و باوفا برای آنها بگمار)؛

— صداقت: یکی از ویژگی‌های بازرس و ناظر آن است که اهل صدق، یعنی صادق و راستگو باشد و زمامدار مطمئن شود که گزارش‌های وی مطابق با واقع و در صورت لزوم، قابل اثبات هستند. به سخن دیگر، بازرسان باید مورد اعتماد رهبر باشند و گزارش‌هایی که می‌دهند برای زمامدار حجّت باشد و مورد رسیدگی قرار گیرد؛

۱. و این جهادی از سر اخلاص و همتی سستی ناپذیر می‌طلبد. جمهوری اسلامی که جز خدمت به مردم و افزایش پرچم عدالت اسلامی، هدف و فلسفه‌ای ندارد، نباید در این راه دچار غفلت شود؛ رفتار قاطع و منصفانه علوی را باید در مد نظر داشته باشد؛ و به کمک الهی و حمایت مردمی که عدالت و انصاف را قدر می‌دانند تکیه کند (خامنه‌ای، فرمان هشت ماده‌ای، ۱۳۸۰).

۲. کار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوه قضائیه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت بسپارید. دستی که می‌خواهد با ناپاکی دربیفتد، باید خود پاک باشد و کسانی که می‌خواهند در راه اصلاح عمل کنند، باید خود برخوردار از صلاح باشند (همان‌جا).

۳. کار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوه قضائیه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت بسپارید. دستی که می‌خواهد با ناپاکی دربیفتد باید خود پاک باشد و کسانی که می‌خواهند در راه اصلاح عمل کنند باید خود برخوردار از صلاح باشند (همان‌جا).

بنابراین، بازرس در صورتی می‌تواند مفید باشد که حتماً صادق و راستگو باشد؛ در غیر این صورت بازرسی را آن‌گونه که لازم است به مقام مسئول بالادست منعکس نخواهد کرد و بازرسی وی قابل اعتماد نخواهد بود و بهره‌دهی نخواهد داشت (قوچانی، ۱۳۷۶، ص ۹۴)؛

– وفاداری: ویژگی دوم که امام (علیه السلام) برای ناظر و بازرس ضروری دانسته و اثربخشی کار او را منوط به آن می‌داند، وفاداری نسبت به مقام بالادست است. به سخن دیگر، ناظر باید از تعهد لازم برخوردار باشد، به گونه‌ای که منافع مقام بالادست و سازمان را همان منافع خود بداند و پس از اینکه به یک مسئله پی برد و گزارش‌هایی را تهیه کرد، با دلسوزی به مسئولان ذی‌ربط برساند. در واقع وفاداری و تعهد باعث می‌شوند که با دقت و ظرافت و به کارگیری همه توان خود، به نظارت پردازد و وجدان کاری بالایی داشته باشد؛ به گونه‌ای که با استفاده از همه روش‌ها و ابزار ممکن، تلاش کند به واقعیت برسد و در این میان بین خود و خدا هم نسبت به گزارش مورد نظر، حجت داشته باشد. در کنار صفت وفاداری، صداقت باعث می‌شود که آنچه را که براساس نظارت و بازرسی دقیق خود یافته، دقیقاً به مسئول مربوط انتقال دهد.

– نیکوکاری: آنچه که امام علی (علیه السلام)، به‌عنوان ملاک تعهد دبیران معرفی می‌کند، رفتاری است که فرد را در نظر مردم در بالاترین رتبه نیکوکاری قرار می‌دهد، به همین دلیل می‌فرماید: «فاعمد لاحسنهم کان فی العامة اثرًا»، یعنی بر کسانی اعتماد کن که در میان مردم بهترین آثار نیک را گذارده‌اند؛ به بیان دیگر، افراد متعهد و قابل اعتماد کسانی خواهند بود که در طول زندگی و در روابط فردی و اجتماعی خود، آثار نیک از خود برجای گذاشته و در ذهنیت جمعی مردم به‌عنوان نیکوکارترین و بهترین مردم قلمداد شوند.

– امانتداری: شاخص مهم دیگری که می‌تواند تعهد متصدیان امور را منعکس سازد، درجه امانتداری آنها در میان مردم است. مسئله امانتداری از جمله شاخص‌های قوام و دوام جامعه است و بر عکس خیانت در امانت باعث می‌شود که مراودات میان مردم متزلزل شده و اعتماد عمومی از بین برود؛ به همین دلیل در بخش‌های مختلف فرمان به مالک و به صورت‌های مختلف بر آن تأکید شده است؛ در فراز ۵۳، امام (علیه السلام) این‌گونه می‌فرماید که «... و اعرفهم بالامانه وجهاً»، بر کسانی اعتماد کن که در میان مردم به امانتداری معروف‌ترین باشند.

– ویژگی‌های سازمان‌دهنده امور

امام علی (علیه السلام) پس از اشاره به ضرورت دسته‌بندی کارها و گماردن فردی برای انجام دادن آنها و در راستای توانایی انجام، کسانی که متصدی این‌گونه کارها می‌شوند، ویژگی‌ها و خصوصیتاتی را برای آنها برمی‌شمرد:

اول، در رأس هر یک از کارها، کسی را قرار بده که بزرگی کارها او را مقهور، مغلوب و ناتوان نسازد. کسانی از کار می‌ترسند که لیاقت و شایستگی انجام دادن آن را نداشته باشند و به ابعاد و زوایای آن مشرف نباشند. این‌گونه افراد، قدرت درک پیچیدگی‌های کار را ندارند و در نتیجه درجه ابهام کار برای آنها به حدی است که به ایجاد استرس و فشار روحی در آنها منجر شده و خود را در برابر کار مقهور و بازنده می‌یابند؛ در واقع اینان تخصص و مهارت لازم نسبت به کاری که پذیرفته‌اند ندارند؛

دوم، همان‌گونه که ممکن است بزرگی و گستردگی یک کار، افراد ناتوان و نالایق را مغلوب و ناتوان سازد و آنها را با انفعال روبه‌رو کند، گاهی اوقات، کثرت و تنوع کارها نیز برای این‌گونه افراد موجب پریشانی و سردرگمی می‌شود. به همین دلیل امام (علیه السلام) در ادامه فراز ۵۴ فرمان خود ویژگی دیگری را برای متصدی کارها و سازمان‌دهندگان به امور مطرح می‌کند و می‌فرماید: کسی را در رأس کارها قرار بده که بسیاری و کثرت کارها او را مشتت و سردرگم نسازد (ولا تشتت علیه کثیرها).

سوم، یک زمامدار، وقتی می‌تواند کسی را به‌عنوان نماینده ویژه خود مأمور رسیدگی به امور دیگران کند که، قابل اعتماد وی باشد. به همین دلیل امام (علیه السلام) می‌فرماید: «ففرغ لاولئک ثقک»: همه هم و غم خود را معطوف آنها کن و در نتیجه افرادی قابل اعتماد را بر کار مردم بگمار، افرادی که مورد وثوق تو باشند و بدانی که افرادی با ایمان، درستکار، وفادار، آگاه، توانا و ماهرند و مطمئن باشی که اگر آنها را مأمور این کار کنی، با اعتقاد و اخلاص و با آگاهی و مهارت دنبالش می‌روند و آن را به بهترین وجه انجام می‌دهند. در ادامه، امام علی (علیه السلام) برای این‌گونه نمایندگان ویژگی‌هایی را طرح می‌کند و در واقع می‌فرماید اینان زمانی از عهده این کار مهم و حیاتی بر می‌آیند که خصوصیات اخلاقی و رفتاری ذیل را دارا باشند:

خدا ترس و اهل خشیت باشند (من اهل الخشیة)؛ متواضع باشند؛ (والتواضع) یعنی از موضع بالا و خودخواهانه با مردم رفتار نکنند؛ و امین باشند: «فلیرفع الیک امورهم» یعنی کسی باشد که پس از خبرگیری و رسیدگی به وضع افراد مورد نظر، «امانت‌داری» و امین بوده و واقعیت را آن‌گونه که هست و بی‌کم و کاست به زمامدار و مولای خود برساند.

و چهارم، یکی دیگر از صفات متصدیان مشاغل کلیدی، مانند فرماندهان ارتش، این است که باید از پاکدل‌ترین افراد و خوش‌سیره‌ترین و دورترین افراد از منکرات و کارهای ناپسند باشند. امام (علیه السلام) در ادامه فراز ۳۲، می‌فرماید: کسی را در رأس این‌گونه مشاغل حساس قرار ده که افزون بر خیرخواهی، «انقاهم جیباً» باشد. «انقاهم»، یعنی بهترین و «الجیب» به معنی القلب و الصدر، یعنی دل و سینه همین‌طور به معنای لباس، گریبان و یقه است (معلوف، ۱۹۸۷، ص ۱۱۲)؛ «جیب»، به معنای گریبان و یقه و متصل به سینه و سینه جایگاه قلب و قلب مرکزی است که همه عواطف و احساسات به آن نسبت داده می‌شود؛ «انقاهم جیباً»، یعنی کسی که هم پاکدل باشد و

دل را از آلودگی‌ها باز دارد، هم پاک اندیشه باشد و عقل خویش را از قرار گرفتن در دام شیطان و افکار پلید باز دارد و به تبع آن پاکدلی و اندیشه پاک، پاکدامن بوده و در عمل و رفتار هم مقید به رعایت حدود الهی و پرهیز از منکرات و کارهای ناپسند باشد؛ کسی که حافظ مال و ناموس دیگران است، باید مورد اعتماد مردم باشد به گونه‌ای که با خیال راحت و با آرامش به کارهای خود پردازد و به همین دلیل در انتخاب آنها باید تلاش بسیار صورت گیرد که افرادی در این منصب و مقام قرار گیرند که در به‌کارگیری قلب، فکر و جوارح خود، مراقبت بسیار کنند و آنها را به آسانی در اختیار و سوسه‌های نفس اماره قرار ندهند.

۸. آثار و پیامدهای مبارزه

فرمان هشت ماده‌ای

وقتی بتوان با فساد و مظاهر مختلف آن به نحو شایسته مبارزه کرد، کم‌کم سلامت به نظام بر می‌گردد و آثار و علائم خود را نشان می‌دهد. در بخش‌هایی از فرمان هشت ماده‌ای مقم معظم رهبری به مواردی از نتایج و پیامدهای مبارزه با فساد اشاره شده و دورنمایی از آن ترسیم شده است: الف) ارتباطات سالم حکومتی؛ ب) صداقت و امانت مسئولان؛ ج) احساس آرامش و امنیت فعالان مؤثر.^۱

نبودن فساد باعث می‌شود فعالان اصلی جامعه در ابعاد و اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بتوانند به راحتی به فعالیت پردازند و در رشد و توسعه جامعه ایفای نقش مناسب کنند؛ افرادی مانند: سرمایه‌گذاران، تولیدگران، صنعتگران، فعالان بخش کشاورزی، مبتکران علمی و جویندگان کار.^۲

د) امنیت اقتصادی^۳

از جمله مهم‌ترین نتایج مبارزه با فساد، امنیت اقتصادی است که خود منجر به اموری می‌شود، مانند: جذب سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاری مطمئن، فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال.

۱. امروز کشور ما تشنه فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن است و این همه، به فضائی نیازمند است که در آن، سرمایه‌گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده کار و همه قشرها، از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند (خامنه‌ای، فرمان هشت ماده‌ای، ۱۳۸۰).

۲. اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود و اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدعا و انحصارجو طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولیدکننده و اشتغال‌طلب، همه احساس ناامنی و نوسیدی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راه‌های نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد (همان‌جا).

۳. ممکن است کسانی به خطا تصور کنند که مبارزه با مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از ثروت‌های ملی، موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه‌ها است. به این اشخاص تفهیم کنید که به عکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولیدکنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالم‌اند (همان‌جا).

ه) تقویت اعتماد عمومی^۱

مسئله توجه به افکار عمومی و حساسیت آنها نسبت به مبارزه با فساد، امر بسیار مهمی است که نباید با غفلت مواجه شود. به همین دلیل در بخشی از فرمان هشت ماده‌ای به‌عنوان یک اصل به آن اشاره شده است:

- پرهیز از برخورد شعاری، تبلیغاتی و تظاهر گونه با فساد؛^۲
- تلاش در انعکاس درست آثار، ثمرات و برکات مبارزه؛^۳
- دقت در حفظ آرامش و اطمینان افکار عمومی.^۴

فرمان امام علی (علیه السلام)

— جایگاه مردم

توجه به مردم و افکار عمومی از جمله اصولی است که در فرمان علی (علیه السلام) به مالک اشتر جایگاه ویژه‌ای دارد. براساس یک احتمال می‌توان گفت که مردم و توجه به آنها و به عبارتی رشد و کمال آنها را، در نظام مدیریتی اسلام، محور دانست؛ به گونه‌ای که نوعی نظام مردم سالار در چارچوب ارزش‌های اسلامی را منعکس می‌سازند؛ کما اینکه، مردم، به تعبیر نهج البلاغه رعیت‌اند؛ رعیت، یعنی جمعی که رعایت و مراقبت آنان و حفاظت و حراست آنان بر دوش ولیّ امر است. اینها را به‌عنوان یک مجموعه در نظر بگیرید؛ انسان با همه این مجموعه باید مورد رعایت قرار بگیرند (خامنه‌ای، ۱۳۶۱، ص ۶).

امام علی (علیه السلام) خصوصیات را برای توده مردم و به‌عنوان موارد قوت آنها مطرح کرده و از این طریق جایگاه آنها را تبیین می‌کند:

اول، ویژگی توده مردم این است که نقش پایه و رکن را در برپایی و قوام دین ایفا می‌کنند که: «إِنَّمَا عَمَادُ الدِّينِ» یعنی هیچ قدرتی نمی‌تواند در برابر قدرت ملت استقامت کند و هیچ نظامی بدون همکاری و موافقت مردم برپا و برجا نمی‌ماند؛

دوم، مردم اساس شکل‌گیری تشکل جمعی مسلمانان و جامعه اسلامی هستند. بزرگی و هیبت اسلام و مسلمانان به آن است که در بدنه آن مردم عادی و کسانی حضور دارند که منشأ وحدت بخشی به آن شده‌اند (وَجَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ «جماع»):

۱. حفظ آرامش و اطمینان افکار عمومی را در نظر داشته باشد (همان‌جا).
۲. با این امر مهم و حیاتی نباید به گونه شعاری و تبلیغاتی و تظاهرگونه رفتار شود (همان‌جا).
۳. به جای تبلیغات باید آثار و برکات عمل، مشهود گردد (همان‌جا).
۴. هرگونه اطلاع‌رسانی به افکار عمومی که البته در جای خود لازم است، باید به دور از اظهارات نسنجیده و تبلیغات گونه بوده و حفظ آرامش و اطمینان افکار عمومی را در نظر داشته باشد (همان‌جا).

و سوم، همین توده مردم هستند که هنگام تنگناها و حمله دشمنان قیام کرده و دشمنان را قلع و قمع می‌کنند (وَ الْأَعْدَاءُ لِلْأَعْدَاءِ).

شرط موفق بودن یک زمامدار و کسب رضایت الهی در آن است که در هر گونه رفتاری که با مردم داشته توانسته باشد برای آنها اقامه حجت کند، به همین دلیل امام (علیه السلام) در فراز ۸۹ عهدنامه این مسئله را بلافاصله و هم‌زمان با اقامه حجت بر عملکرد در برابر خداوند آورده که: «از خداوند می‌خواهم، من و تو را توفیق دهد به آنچه رضا و خشنودی اوست، از داشتن عذر هویدا در برابر او و خلقتش» (لما فيه رضا من الإقامة على العذر الواضح اليه و الى خلقه).

نکته مهم در اینجا آن است که رضایت مردم و رضایت الهی در کنار هم آمده و به عبارتی، رضایت الهی، به رضایت مردم از زمامدار منوط شده است.

— کسب حُسن شهرت در میان مردم

یکی دیگر از شرایط توفیق یک زمامدار، آن است که نه تنها مردم از عملکرد او راضی باشند، بلکه همواره به نیک‌نامی از او یاد کنند و در میان آنها حُسن شهرت داشته باشد.

امام علی (علیه السلام) در این رابطه می‌فرماید: «مَعَ حُسْنِ الثَّنَاءِ فِي الْعِبَادِ»، «نیک‌نام بودن میان بندگان»، می‌تواند نقش بسزایی در توفیق زمامدار داشته باشد، تجربه نشان داده که ذهنیت عمومی مردم و قضاوت آنها درباره مسئولان با عملکرد آنها هماهنگی بسیاری دارد؛ چراکه این ارزیابی و قضاوت بیشتر بر مبنای تحلیل رفتار مدیران و از ابعاد و زوایای گوناگون صورت می‌گیرد. امام علی (علیه السلام) در فراز پنجم از نامه ۵۳، این اصل مهم را به‌عنوان یکی از ست‌های الهی برشمرده که: «و انما يستدل على الصالحين بما يجرى الله لهم على السن عباده؛ و همانا راه پی بردن و شناخت نیکوکاران و صالحان، توجه به سخنانی است که خداوند بر زبان بندگانش از نیک و بد جاری فرموده است».

— زمامداری و ضرورت توجه به افکار عمومی

امام علی (علیه السلام) مالک را از جایگاه و نقش مردم آگاه می‌سازد و به حساسیت‌ها و دغدغه‌های آنها واقف می‌کند: «ای مالک، بعد از توجه به موقعیت زمانی و مکانی مصر، نگاه تو را معطوف به بعد دیگری از واقعیت می‌کنم و آن مردم هستند».

امام (علیه السلام) در این فراز به یکی از مهم‌ترین مسائل هر حکومت اشاره می‌کند و از این زاویه اهمیت و جایگاه مردم را نیز در راستای بقا و دوام حکومت، نشان می‌دهد. این مسئله، «عدم بی‌تفاوتی مردم» نسبت به عملکرد مدیران و مسئولان و به عبارتی، «نقش نظارتی» آنهاست: «و ان الناس: ينظرون من امورك». ای مالک بدان که مردم به گونه‌ای هستند که تو را به نظاره

نشسته‌اند؛ هیچ کار تو از مردم پنهان نمی‌ماند؛ تک تک افعال تو در سازمان، نحوه ورود و خروج تو، کیفیت برخوردت با افراد، نحوه استفاده تو از بیت‌المال، میزان تقید به رعایت ضوابط، یا احیاناً توجه به روابط، اعمال سلیقه، یا رفتار روشمند، اهمیت دادن به مردم و رسیدگی به آنها به طور شایسته، یا بی تفاوت بودن نسبت به آنها، وعده دادن‌ها و ارتباط آنها با عمل و... همگی زیر نظر و توجه مردم قرار دارند.

– اصل قضاوت مردمی

وقتی چشمانشان به نظاره می‌نشیند، محصول رفتار به ذهن سپرده شده و از آنجا به قلب، یعنی مرکز عاطفه و قضاوت می‌رسد؛ انسان موجودی است که درباره هر آنچه می‌بیند، می‌اندیشد، آن را تحلیل و ارزیابی می‌کند و به قضاوت می‌نشیند و در مواردی موضع می‌گیرد.

امام علیؑ در فراز پنجم، بعد از اینکه به اصل نظارت مردمی اشاره می‌کند، به مالک اشتر هشدار می‌دهد که نظارت آنها به صرف دیدن محدود نمی‌شود، بلکه مقدمه‌ای می‌شود برای اینکه درباره تو به بحث و گفتگو پرداخته و قضاوت کنند. «و یقولون فیک»، یعنی ای مالک به محض اینکه در صدر کار قرار گرفتی، کارهای تو زیر ذره‌بین می‌رود و در مجالس عمومی و خصوصی، نقل و نقل مجلس‌ها می‌شود؛ درباره هر عمل تو و آثار آن و چرایی آن، بحث‌ها می‌شود و حاصل آن نمره دادن مردم به توست که می‌تواند نتیجه آن قبولی، یا مردودی تو از نظر مردم باشد.

جدول ۱: وجوه اشتراک دو فرمان

ردیف	فرمان هشت ماده‌ای			فرمان امام علیؑ			وجوه اشتراک
	عنوان کلی	عنوان فردی	شاخص‌ها و مصادیق	عنوان کلی	عنوان فرعی	شاخص‌ها و مصادیق	
۱	عنوان کلی	وضع مطلوب (نظام آرمانی علوی)	خدمت به مردم عدالت اسلامی	اهداف زمامدار	عوامل خشنودی زمامدار و مردم	اقامه عدل - خدمت به مردم - جلب خیرخواهی مردم	فراز فرمان
		آسیب شناسی	وضع موجود و وظایف نسبت به آن	-کم کردن فاصله‌ها- -تکالیف بزرگ و دائمی- -الگوسازی	مبارزه با نارسایی‌ها و توطئه‌ها	مبارزه با عوامل بحران زا	و إِنَّهُ لَا تَطْلُهُمْ مَوَدَّتُهُمْ إِلَّا بِسَلَامَةٍ صُورَهُمْ بِحَيْثُيَهُمْ عَلَى وَّلَاةِ الْأُمُورِ وَ تَرْكِ اسْتِنْبَاهِ إِقْطَاعِ مَشْتَهُمِ
۲	سلامت نظام	خصوصیات نظام سالم	-فعالیت اقتصادی سالم- -سرمایه گذاری مطمئن- -ایجاد اشتغال- -سلامت ارتباطات حکومتی	اصول حاکم بر اداره نظام	-جهاد با دشمنان- -اخذ مالیات- -سلامت افراد- -بهبود وضع مردم- -عمران و آبادانی	-ثبات و امنیت- -ایجاد زمینه سرمایه گذاری و تولید- -بهبود وضع مردم- -عمران و آبادانی	ثبات و امنیت -تولید و درآمدزایی- رسیدگی به مردم

ردیف	فرمان هشت ماده‌ای			فرمان امام علی (ع)			وجه اشتراک
	عنوان کلی	عنوان فردی	شاخص‌ها و مصادیق	عنوان کلی	عنوان فرعی	شاخص‌ها و مصادیق	
۳	عوامل و مظاهر فساد	مصادیق مفسد-	سوء استفاده کنندگان از امکانات حکومتی -امتیازطلب‌ها -زیاده خواهان -انحصارجویان	مدیران و اطرافیان	خواص و خصوصیات آنها	-امتیازخواهی -بی‌انصافی -استنثار -تطاؤل -ویژه خواری	-رانت خواران -استنثارگران
۴	نقش قوای مبارزه با فساد	نقش قوه مجریه	پیشگیری مسئولیت پذیری	وظایف زمامداران	نقش کارگزاران	-مسئولیت پذیری -پاسخگویی	-پاسخگویی -مسئولیت پذیری
		نقش قوه قضائیه	اقدامات اصلاحی -به‌کارگیری افراد متعدد و متخصص -قضات قاطع و پاکدامن -برخورد با عناصر خائن	مدیریت امور قضایی و قضاوت	-ویزگی‌های قضات -خصوصیات ناظران -فسادزدایی و مبارزه با تخلفات	-تعهد ناظران -عدم طمع ورزی -صدقت -وفاداری	-صدقت ناظران -عدم طمع ورزی -بازرسان
		نقش قوه مقننه	-قانون گذاری -قوانین تسهیل کننده -مبارزه با مفسدین	قوانین منصفانه	پرهیز از رفتارهای تبعیض آمیز	تسهیل مبارزه با فساد	تسهیل مبارزه با فساد و مفسدین
		همکاری قوای حکومتی	-شناسایی نقاط آسیب پذیر اقتصادی -چلوگیری از احتکار	توجه به ارتباط قومی اقشار جامعه	توجه به خصوصیات فعالان اقتصادی	-احتکار -تنگ نظری فاحش -سخت گیری در معاملات -قیمت گذاری خودسرانه	-مبارزه همگانی با -احتکار -مبارزه با متخلفان
		نیروهای اطلاعاتی و بازرسان مخفی	-دقت در قراردادها -دقت در سرمایه گذاری های بزرگ -نظارت بر مراکز مهم تصمیم گیری	توجه به نیروهای امنیتی و اطلاعاتی	خصوصیات بیرون ناظران منفی	-محرم اسرار -ضرورت نظارت پنهانی -خصوصیات ناظران منفی	-محرم اسرار بودن بازرسان -صدقت و وفاداری ناظران مخفی
۵	اصول حاکم بر مبارزه با فساد (رفتار علوی)	قاطعیت	مبارزه جدی با فساد عدم تزلزل در برخورد با تخلف ها	اصول مبارزه با متخلفین	برخورد با اقویا و مجازات مجرمین	-قاطعیت -شجاعت -عدم تسامح -عقوبت بدنی متخلفان -پس گرفتن عواید ناحق از متخلفان -مجازات کاری و سازمانی -مجازات های اجتماعی -معرفی خاطیان به عنوان خائن -رسوا نمودن افراد خاطی	-وبرأف باضعفاء و بنبوء علی الاقوی -تم اهل التجدة و الشجاعة -فبسطت علیه العقوبه فی بدنه و اخذته بما اصاب من تم نصیته بمقام المذله عمله و رسمته بالخیانه و قلدته عارالتهمه

شماره	فرمان هشت ماده‌ای			فرمان امام <small>علیه السلام</small>			وجوه و اشتراک	
	عنوان کلی	عنوان فردی	شاخص‌ها و مصادیق	عنوان کلی	عنوان فرعی	شاخص‌ها و مصادیق		
۵		عدالت در ارزیابی‌ها	-عدالت قاطعانه -دقت و ظرافت -برخورد عادلانه و یکسان با مصادیق تخلف	ارزیابی مبتنی بر عملکرد	رعایت عدالت در ارزیابی‌ها	-برخورد منصفانه با افراد -ارزیابی مبتنی بر انصاف	ولا یکونن المحسن و المسیئین عندک بمنزله سواء فان فی ذالک تزهیذا لاهل الاحسان فی الاحسان وتدریاً لاهل الاسائه علی الاسائه والزم کلاً منهم ما لزم نفس	-ارزیابی مبتنی بر عملکرد -ارزیابی مبتنی بر عدالت
		پرهیز از رفتارهای تبعیض	-پرهیز از متهم کردن بی گناهان -پرهیز از معامله یکسان با خیانت و اشتباه -پرهیز از استثمار نمودن افراد حقیقی و حقوقی -پرهیز از پذیرش عذر انتساب به مسئولان	پرهیز از رفتارهای تبعیض آمیز	مصادیق تبعیض	-منظور نکردن کار هرکس برای خودش -به حساب دیگران گذاشتن کار افراد -کم گذاشتن از کار افراد -صور در ادای پاداش افراد -بزرگ شمردن کار کوچک افراد -بدلیل غیر مربوط کوچک شمردن کار بزرگ افراد -به دلایل غیر مربوط	ثم اعرف لکل امری منہم ما لیلی ولا تضمنیلاء امری الی غیره ولا تقصن به دون غایه بلانہ ولا بدعونک شرف امری الی ان تعظم من بلانہ ما کان صغیراً ولا ضعه امری الی ان تستصغر من بلانہ ما کان عظیم	پرهیز از رفتارهای تبعیض آمیز
	۶	ویژگی‌ها و خصوصیات عوامل مبارزه با فساد	-جهاد از سر اخلاص -سستی ناپذیری، قاطع و محکم -انکاء الهی، حمایت مردمی -انصاف و امانت	خصوصیات ناطران و بازرسان	-صداقت و وفاداری و نیکوکاری -امانت داری و قاطعیت -تدبیر و قدرت -جمع بندی	واعت المیون من اهل الصدق و الوفاء علیهم	-صداقت و وفاداری -قاطعیت -تدبیر	
۷	آثار و پیامدهای مبارزه با فساد	ارتباطات سالم حکومتی -صداقت و امانت مسئولین -آرامش و امنیت اجتماعی -امنیت اجتماعی -تقویت اعتماد عمومی	آثار مبارزه با فساد	-تقویت نظارت عمومی مردم -تقویت قضاوت عمومی مردم -کسب حسن شهرت زمامدار در بین مردم	- إثمَاعَمَادُ الدِّینِ وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِیْنِ وَ اَلْمُدَّةُ اِلَیْ اَعْدَاءِ - و انما یستدل علی الصالحین بما ینجری الله لهم علی السن عبادہ - و ان الناس: ینظرون من امورک و یقولون فیک	-تقویت اعتماد عمومی -تقویت نظارت عمومی -تقویت قضاوت عمومی		

نتیجه‌گیری

این تحقیق با رویکرد تطبیقی و با هدف نشان دادن ابتناء فرمان هشت ماده‌ای بر فرمان مالک اشتر صورت گرفته و تأکید آن بر وجوه اشتراک دو فرمان می‌باشد. نتایج حاصله نشان از آن دارد که فرمان هشت ماده‌ای هم در بیان اهداف و آرمان‌ها و هم در بیان عوامل و شاخص‌های مربوط به این اهداف و نیز آسیب‌شناسی و موانع مطرح در این مسیر و نیز کیفیت برخورد با این موانع و هموار نمودن راه و زدودن مظاهر فساد، برخاسته از فرمان امام علیه السلام می‌باشد. موارد مورد بررسی و تشابه آنها عبارتند از:

خدمت به مردم و عدالت خواهی (به عنوان اهداف زمامدار)؛ ثبات، امنیت، رواج امانت داری و سلامت ارتباطات (به عنوان شاخص های سلامت نظام)؛ رانت خواران و (به عنوان مصادیق مفسد)، پاسخگویی و مسئولیت پذیری (به عنوان وظایف کارگزاران)؛ عدم طمع ورزی و قاطعیت ناظران، به کارگیری ناظران پنهانی و وفادار، قوانین تسهیل کننده مبارزه با فساد و مبارزه همگانی با احتکار.

همین طور اموری مثل قاطعیت (مجازات مناسب خاطیان)، عدالت در ارزیابی (و مبتنی بر عملکرد) و پرهیز از ارزیابی های تبعیض آمیز (به عنوان اصول حاکم بر مبارزه با فساد)؛ صداقت و وفاداری و تدبیر (به عنوان خصوصیات عوامل مبارزه با فساد)؛ و در نهایت تقویت اعتماد عمومی، و نهادینه شدن نظارت و قضاوت عمومی (به عنوان آثار و پیامدهای مبارزه با فساد).



منابع

* قرآن کریم.

۱. الهی قمشاهی، مهدی (۱۳۷۵)، «ترجمه قرآن کریم»، خط عثمان طه، چاپ مؤسسه الهادی، قم.
۲. حسینی سیاه‌پوش، سیدمحمد (۱۳۶۴)، «سیری کوتاه در مدیریت اسلامی (شرحی بر فرمان امام علی علیه السلام مالک اشتر)».
۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۰)، «سخنرانی در کنگره هزاره نهج البلاغه» (کنگره اول).
۴. _____ (۱۳۶۳)، «سخنرانی در کنگره چهارم نهج البلاغه».
۵. _____ (۱۳۶۴)، «سخنرانی در کنگره پنجم نهج البلاغه».
۶. _____ (۱۳۷۲)، «دیدار هیئت دولت در آغاز کار دوره دوم ریاست جمهوری علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی».
۷. _____ (۱۳۸۲)، «دیدار اعضای هیئت دولت».
۸. _____ (۱۳۸۳)، «دیدار اعضای بسیج و نیروهای اداره کل اطلاعات استان همدان».
۹. _____ (۱۳۸۴ الف)، «سخنرانی در دیدار استادان و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام».
۱۰. _____ (۱۳۸۴ ب)، «مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری دکتر محمود احمدی‌نژاد».
۱۱. _____، «فرمان هشت ماده‌ای مبارزه با فساد»، ۱۳۸۰/۲/۱۰.
۱۲. دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۸)، روش‌شناسی عمومی نظریه‌پردازی، مجله روش‌شناسی علوم انسانی، س ۱۵، ش ۵۸.
۱۳. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۰)، رایت درایت: اخلاق مدیریتی در عهدنامه مالک اشتر، نشر دریا.
۱۴. سیدرضی (۱۳۶۹)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: نشر امام علی علیه السلام.
۱۵. _____ (۱۳۹۴)، ترجمه و شرح نهج البلاغه فیض الاسلام.
۱۶. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۶)، آیین کشورداری از دیدگاه امام علی علیه السلام، تقریر و تنظیم حسین کریمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. قوچانی، محمود (۱۳۷۶)، فرمان حکومتی پیرامون مدیریت، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.
۱۸. معلوف، لويس (۱۹۸۷)، المنجد في اللغة والاعلام، تهران: اسماعیلیان.